



قوماندانی واحد تعلیم و تربیہ و دکتورین

قوماندانی مکتب حقوق

آمریت تدریسات

منظور است

دیپارتمنت قوانین عام

مواد آموزشی حقوق بیسز

گرد آورنده احمد راسخ (جرار) محمائی

تحت نظر جگرن محمد الله (اختیار)

سال 1396

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند مهربان

مقدمه :

از انجاییکه حقوق بشر یک موضوع فراگیر و مغلق است بحث در مورد آن مستوجب یک تحقیق همه جانبه می باشد حتی الامکان کوشش کردیم تا در مورد مسایل مختلف مرتبط به موضوع از کتب مختلف استفاده کنیم اگرچه درین مورد از گذشته پژوهش هایی صورت گرفته اما ما در صدد آنیم که مسایل حیاتی را در ارتباط به فهم حقوق بشر برای خواننده گان محترم گردآوری کنیم و اذهان خوانندگان را از درک عامیانه در مورد حقوق بشر باز داریم .

حقوق بشر تنها از جهت بشر بودن به انسان تعلق میگیرد و مبنای پیشا قانونی دارد که در مراحل مختلف حیات بشر دگرگونی هایی فراوانی را تجربه کرده گاه انسان ها سبب نقض حقوق هموعان خود بوده و گاه نیز به حمایت ازان شتافته اند این بگير و نگير ها در ادوار مختلف تاریخ ادامه داشته است ، ادیان و اسناد ادبی نیز نقش عمده در معرفی حقوق بشری افراد بازی کرده و عوامل فوق آهسته آهسته سبب بوجود آمدن اسناد و قوانین در سطح کشور های مختلف شده است و این امر را میتوان آغاز های اندک حمایت از حقوق بشر خواند بالاخره در سطح بین المللی بعد از قرن 19 درین مورد کار های خارق العاده صورت گرفته است که میتوان از کنواسیون های مانند اولین کنواسیون ژنیو راجع به بهبود سرنوشت زخم داران و مریضان در نیرو های مسلح هنگام نیرو کشی ، کنواسیون هاگ (لاسه) برای حل و فصل پاسیفیک اختلافات بین المللی و کنوانسیون راجع به رعایت قوانین ، آداب و رسوم جنگ در سرزمین نام برد و رفته رفته در قرن 20 سازمان ملل متحد با نشر منشور خود ، ایجاد کمیسیون حقوق بشر ، طرح منشور حقوق بشر و نشر اعلامیه ها و کنواسیون ها و ایجاد نهاد های حقوق بشری باعث شگوفایی وضعیت حقوق بشر در سطح جهان گردید و کشور های عضو را به حمایت ازین حقوق واداشت ، اکنون حقوق بشر در تمام جوامع به صورت مطلق و جهانشمول حقوق ذاتی ، سلب ناپذیر و تفکیک ناپذیر انسانهاست و اکثریت کشور ها بنا بر تعهدی که با سازمان ملل متحد در خصوص پذیرش اسناد و کنواسیون های حقوق بشری نموده اند خود را ملزم به رعایت ازین حقوق دانسته ، و در قوانین شان ازین حقوق حمایت کرده اند . در کشور عزیز ما نیز ازین حقوق در فصل دوم قانون اساسی تحت عنوان حقوق و مکلفیت های اتباع حمایت شده است و همچنان همین قانون دولت را به رعایت و پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر ، میثاق های بین المللی و معاهدات بین الدولی که افغانستان به آن ملحق شده است نموده و در همین قانون تاسیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان جهت بررسی از تطبیق حقوق بشر و موارد نقض آن پیش بینی شده است و اکنون این کمیسیون عملا درین راستا کار میکند .

این مواد آموزشی دارای چهار مبحث است در مبحث اول روی موضوعات چون پیشینه تاریخی ، مهمترین اسناد و نهاد های حقوق بشری ، مبنا و خصوصیات حقوق بشر اشاره شده است و مبحث دوم مصادیق حقوق بشر در افغانستان را به معرفی میگیرد مبحث سوم بیان کننده حمایت جزایی حقوق بشر در افغانستان است و بالاخره در مبحث چهارم بر حقوق بشر از دیدگاه اسلام تماس گرفته شده .

در اخیر از خداوند متعال کمک می خواهیم که در جمع اوری معلومات در مورد حقوق بشر مرا یاری کند تا باشد از یک طرف مکلفیت خودم ادا گردد و از طرف دیگر در انتقال دادن مفاهیم به خوانندگان دچار اشتبا نگردم .

و من الله توفیق

فهرست مطالب

مبحث اول : مفهوم ،پیشینه تاریخی،مبنا وخصوصیات حقوق بشر

پراگراف اول - مفهوم حقوق بشر.....

1 - حق.....

2 - حقوق.....

3 - تعریف حقوق بشر.....

پراگراف دوم : پیشینه حقوق بشر و معرفی مختصر مهمترین اسناد جهانی حقوق بشر و نهاد های حقوق بشری.....

الف - پیشینه ی حقوق بشر.....

ب - معرفی مختصر مهمترین اسناد جهانی حقوق بشر.....

1- اعلامیه اسلامی حقوق بشر.....

2 - منشور بین المللی حقوق بشر.....

الف - اعلامیه جهانی حقوق بشر.....

ب - میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتوکل های الحاقیه.....

ج- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی،اجتماعی و فرهنگی.....

3 - اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه.....

4 - اعلامیه جهانی حقوق کودک.....

5 - اعلامیه کنفرانس بین المللی حقوق بشر.....

6 - اعلامیه ی مربوط به مدافعین حقوق بشر.....

ج - نهاد های حقوق بشری.....

1- کمیسیون حقوق بشر.....

2- نهاد ملی حقوق بشر.....

پراگراف سوم - مبنای حقوق بشر.....

پراگراف چهارم - خصوصیات حقوق بشر.....

مبحث دوم - مصادیق حقوق بشر در افغانستان

پراگراف اول - حقوق مدنی و سیاسی.....

1 - عدم تبعیض.....

2 - حق زندگی.....

3 - حق آزادی.....

4 - اصل برائت الذمه.....

5 - اصل شخصی بودن جرایم.....

6 - اصل قانونی بودن جرایم و مجازات.....

7 - حق تابعیت.....

8 - اصل عدم شکنجه، کرامت انسانی و عدم تحصیل اقرار به اجبار.....

9 - حق تعیین وکیل مدافع.....

10 - حق انتخاب کردن و انتخاب شدن.....

11 - حق آزادی بیان.....

12 - حق تاسیس جمعیت ها احزاب سیاسی و حق اجتماع و تظاهرات.....

13 - حق محرمیت مکالمات و مراسلات.....

14 - حق مصئونیت مسکن و انتخاب مسکن.....

15 - حق مسافرت.....

16 - حق دسترسی به اطلاعات و استخدام در ادارات دولتی.....

17 - حق جبران خساره و حق اقامه دعوی.....

18 - حق تشکیل خانواده.....

پراگراف دوم - حقوق اقتصادی و اجتماعی.....

1 - حق مالکیت.....

- 2 - حق کار
- 3 - حق دسترسی به خدمات صحی
- 4 - حق بازنشستگی
- پراگراف سوم - حقوق فرهنگی
- 1 - حق تعلیم و تحصیل

مبحث سوم - حمایت جزایی حقوق بشری در افغانستان

- 1- سلب حیات
- 2- سلب ازادی
- 3- تبعیض
- 4- برائت الذمه
- 5- اصل شخصی بودن جرایم
- 6- اصل قانونی بودن جرایم و مجازات
- 7- شکنجه و تحصیل اقرار به اجبار
- 8- کرامت انسانی
- 9- حق انتخاب کردن و انتخاب شدن
- 10- حق آزادی بیان
- 11- حق تاسیس جمعیت ها احزاب سیاسی و حق اجتماع و تظاهرات
- 12- حق حریمت مکالمات و مراسلات
- 13- حق مسئولیت مسکن و انتخاب مسکن
- 14- حق مسافرت
- 15- حق تشکیل خانواده
- 16- حق مالکیت
- 17- حق کار
- 18- حق دسترسی به خدمات صحی
- 19- حق تعلیم و تحصیل

مبحث چهارم - حقوق بشر از دیدگاه اسلام

مبحث اول : مفهوم ،پیشینه تاریخی،اسناد و نهاد های حقوق بشری ،مبنا وخصوصیات حقوق بشر

درین مبحث روی مسایل چون مفهوم حقوق بشر ، پیشینه تاریخی ، اسناد و نهاد های حقوق بشری ، منابع و خصوصیات حقوق بشر بحث خواهیم نمود .

پراگراف اول - مفهوم حقوق بشر: حقوق بشر ذاتا به خاطر انسان بودن به اشخاص تعلق می گیرد که سلب نا پذیر اند و تمام انسانها مستحق یک سلسله حقوق تمام شمولی هستند که برای شناختن و بدست آوردن ان در ادوار مختلف زندگی سعی و تلاش ورزیده اند .

درین مبحث به واژه های چون حق ، حقوق و تعریف حقوق بشر اندک تماس خواهیم گرفت

الف- حق : حق یکی از اسمای خداوند است و به معانی چون راست ، درست ، موافق ، مطابق ، سزاوار ، حصه ، نصیب ، مکنت تاج سر و مرگ در فرهنگ های مختلف آمده است که راست ، درست ، موافق و مطابق کلمه های مترادف اند چون اگر بگوییم که کسی حق میگوید به این معنی است که حرفش راست موافق و مطابق به حقیقت است . و اگر به جنسی اطلاق شود که حق فلان شخص است یعنی حصه و نصیب وی است و مکنت به معنی توانگری ، نیرو و قدرت است و اگر گفته شود که کسی به حق رسیده به این معنی است که مرده است .

ب - حقوق : حقوق نیز معنی مغلق و مختلف دارد ، در گذشته تعابیر گوناگونی ازان صورت گرفته ، حقوق را میتوان برای نشان دادن مجموعه نظامات به کار برد ، حقوق میتواند علم باشد ویا به دست مزد کارمند یک نهاد گفته شود ، سپسرون حقوق را قواعد اعلاى منطق دانسته که در طبیعت نهاده شده و امر به انجام و امتنا میکند ، کانت حقوق را شرایطی میداند که به اساس ان دو نفر بر طبق اصل آزادی مشترک تلفیق می یابد ، ارسطو حقوق را بیان مشخص و صریح دولت مبتنی بر توافق مشترک برای چگونگی انجام اعمال میداند ، حقوق را میتوان قوایدی خواند که بر اعمال اشخاص ازین جهت که در اجتماع هستند حکومت میکند .

در کل حقوق را میتوان از دو جهت تعریف کرد :حقوق عندی و حقوق افاقی

1.حقوق عندی : اختیار و امتیازی است که از جانب حقوق افاقی به شخص داده شده و به اساس ان شخص حامل حق شناخته میشود و یا امتیاز و صلاحیت های که یک شخص در برابر اشخاص و اشیا دارد . و حقوق ذاتی و انفسی نیز خوانده میشود . مثلا حق حیات

2. حقوق آفاقی : مجموعه قواعد رهنمونی است که در یک جامعه منظم مراودات و مناسبات بین افراد را به شکل دستوری تنظیم میکند و توسط جبر اجتماعی بالایش تعمیم میگردد . مثلا حقوق فامیل ¹.

ج - تعریف حقوق بشر : مجموعه معیار های اساسی است که بدون ان مردم قادر نخواهند بود تا به عنوان انسان زندگی با کرامتی داشته باشند و در فضای صلح ازادی و عدالت زندگی کنند و به بالا ترین سطوح زندگی دست یابند .²

پراگراف دوم : پیشینه حقوق بشر و معرفی مختصرمهمترین اسناد جهانی حقوق بشر و نهادهای حقوق بشری

الف - پیشینه ی حقوق بشر : انسانها برای بدست آوردن حقوق خود خوا آگاهانه و خوا غیر آگاهانه با یکدیگر در ستیز بوده اند و به مرور زمان به خود حقوقی قایل شده اند . حال انکه از روز پیدایش بدینسو ذاتا حقوقی داشته اند که

¹ ستانکزی ، نصرالله ، مبادی حقوق ، کتاب درسی ، ص 19-25

² گروه آموزش حقوق بشر سازمان عفو بین الملل ، آموزش حقوق بشر ، ص 10

خاصه خودشان بوده و به خاطر انسان بودن به انها مربوط میشود. نخستین بار سلب حق حیات توسط قابیل با کشتن هابیل صورت گرفت و برای نیل به حق ازدواج حق حیات سلب گردید. این در حالیست که خداوند ج با خلق انسان وی را واجد کرامت ذاتی ساخته است ولی نادیده گرفتن این کرامت توسط بشر بعضی انسانها و دولت ها را وادار میسازد که برای تحقق حقوق شان دست به ایجاد قوانین بزنند که طبق مقتضای زمان و مکان از حقوقی که ضرورت هر دوره ی از تاریخ است برخوردار شوند.

قانون حمورابی 1760 قبل از میلاد یکی از اولین مجموعه های قانون است. که حق متهم مبنی بر برائت و حق اقامه دلیل را به رسمیت شناخته بود که هر دو مربوط به محاکمه منصفانه میشود و همچنان مجازاتی را برای نقض حقوق زنان، اطفال و بردگان مقرر کرده بود.

امپراطور فارس نیز طیف وسیعی از حقوق بشر را تضمین نموده بود. منشور کوروش در 539 قبل از میلاد بعد از غلبه بر بابل صادر شد که در 1971 میلادی سازمان ملل متحد اعلان کرد که منشور کوروش اولین متن مستند مکتوب حقوق بشر را ایجاد نمود.

این منشور بردگی را ملغی و ابراز آزادانه عقاید را اعلام نمود. در امپراطوری بابوری ها در هندوستان سه قرن قبل از میلاد اصول حقوق مدنی اتباع را گرد آوری نمودند و در منطقه آشوکا با کلیه اتباع صرف نظر از مذهب یا طبقه اجتماعی به نحو مساوی رفتار میشد، تعلیم رایگان بود، بردگی وجود نداشت و با خدمت کاران و محبوسان به انسانیت رفتار میشد.

اسناد مذهبی چون کتب چهارگانه، ودا ومنتخبات ادبی کنفوسیوس مجموعه ای از حقوق بشر را معرفی نمود. نظریات مختلف در مورد حقوق بشر وجود دارد که جامع ترین ان نظریه طبیعی با منشاء مذهبی است، در مرور زمان در قوانین اساسی ملی و در اعلامیه ها، دولت ها و سازمان ها یا حقوق بشری را مورد اجرا قرار دادند و یا منحصی قواعد قواعد و اصول شناسایی کردند.

قانون کبیر مگنا کارتا انگلستان 15 جون 1215، اعلامیه استقلال امریکا، 4 جولای 1776، اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه، 26 اگست 1789 از جمله مهم ترین اسناد در تاریخ حقوق بشر اند.

در سطح بین المللی در قرن 19 نهضت ضد برده داری و تصویب قوانین بشر دوستانه مانند اولین کنواسیون ژنیو 1864 راجع به بهبود سرنوشت زخم داران و مریضان در نیرو های مسلح هنگام نیرو کشی، کنواسیون هاگ(لااهه) 1899 برای حل و فصل پاسیفیک اختلافات بین المللی و کنوانسیون 1907 راجع به رعایت قوانین، آداب و رسوم جنگ در سرزمین، آغاز حمایت از حقوق بشر اند.

با تاسیس جامعه ملل بعد از جنگ اول جهانی بعد از کنفرانس صلح پاریس 1919 جامعه ملل بران بود که از طریق ایجاد امنیت جمعی، خلع سلاح، توسعه، رفاه جهانی و حل و فصل اختلافات از طریق مذاکره و دیپلماسی از جنگ جلوگیری کند و چندین نمایندگی و کمیسیون مانند سازمان بین المللی کار (ILO) در 1920 در ارتباط به ایجاد شرایط کار برای مردان، زنان و اطفال ایجاد شدند. میثاق جامعه ملل نیز دولت های عضو را به ارتقای رفاه، بهزیستی و انکشاف در ساحاتیکه بران حاکمیت داشتند متعهد می نمود. بلاخره جنگ دوم جهانی بوقوع پیوست و پس از آن کشور های صلح دوست در 26 جون 1945 در سانفرانسکو سازمان ملل متحد را بوجود آوردند و جایگزین جامعه ملل گردید و اولین معاهده چند جانبه ی که به اعلام حقوق بشری پرداخت و بالای کشور های عضو الزام آور بود منشورسازمان ملل متحد است. در سال 1946 سازمان ملل متحد کمیسیون حقوق بشر CHR را تاسیس کرد که برای ایجاد طرح منشور بین المللی حقوق بشر تعیین شده بود که پس از مدتی این منشور باید در دو قسمت ترتیب میشد، یکی اعلامیه ی مشتمل بر اصول گسترده و یک طرح کنواسیون که ان اصول را جنبه اجرایی داده و تا حدی الزام آور سازد.

در 10 دسمبر 1948 مجمع عمومی سازمان ملل متحد به اتفاق آرا اعلامیه جهانی حقوق بشر را پذیرفت و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دو پروتوکل الحاقی آن در سال 1966 تصویب شد.

منشور بین المللی حقوق بشر مسایل حقوقی بشری متعددی را مطرح کرد و شخصیت انسان را به داشتن جایگاه بین المللی سوق داد که ازان پس دیگر احترام و رعایت حقوق بشر درصلاحيات حاکمیت انحصاری دولت ها قرار ندارد. بنابراین استانداردها و موازین حقوق بشری مذکور در منشور بین المللی حقوق بشر دارای آثار گسترده ای میان دولت ها و اتباع، میان اتباع و بین دولت ها و مهم ترین کانون حمایت از حقوق بشر است و بلاخره سازمان ملل متحد در نیم قرن گذشته قوانین حقوق بشری را تکامل بخشید.³

شایان ذکر است که حقوق بشر از سالیان متمادی در افغانستان گاه به صورت گسترده نقض شده و گاهی ازان حمایت صورت گرفته است در جنگ های مختلف این سرزمین ما همواره شاهد نقض گسترده ی حقوق بشر بوده ایم و همچنان بعضا حمایت نیز شده این حمایت ها معمولاً توسط قوانین صورت گرفته و جنبه الزامی داشته است که بررسی این موضوع در تمام ادوار تاریخ از حوصله ی بحث ما خارج است. همانطور که در سطح بین المللی حمایت ازین حقوق بعد از قرن 20 به حد اعلا رسید افغانستان نیز در همین قرن اندک اندک با قافله در حرکت شد چنانچه افغانستان در سال 1946 میلادی مطابق 1325 شمسی به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و تمام مفاد منشور ملل را که در یک مقدمه و 19 فصل تنظیم شده پذیرفت و در سال 1949 اولین نماینده دایمی افغانستان به سازمان ملل متحد فرستاده شد. در سال 1983 افغانستان به میثاق های بین المللی حقوق مدنی سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بدون هیچ پیش شرطی ملحق شد. و همچنان به کنوانسیون های رفع تبعیض نژادی، کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتار و مجازات ظالمانه، کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز پیوسته است. در افغانستان منابع حقوق بشری مشتمل بر دین اسلام، اسناد بین المللی حقوق بشر و قانون اساسی میباشد که منابع اول و دوم نیز توسط سوم حمایت میشود. چنانچه در دیباچه ی قانون اساسی افغانستان از اعتقاد به دین و رعایت منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر یادآوری شده و همچنان ماده 2 قانون اساسی دین دولت اسلام گفته شده و در ماده 3 خاطر نشان میسازد که هیچ قانون نمیتواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد و مطابق ماده 7 همین قانون دولت مکلف به رعایت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده و اعلامیه جهانی حقوق بشر است و مطابق ماده 58 قانون اساسی دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود حمایت ازان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تاسیس مینماید و هر شخص میتواند در صورت نقص حقوق بشری خود به کمیسیون یاد شده شکایت کند و کمیسیون میتواند موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع نماید و در دفاع از حقوق آنها مساعدت کند که تشکل و طرز فعالیت کمیسیون توسط قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل حقوق بشر تنظیم میگردد.^{4, 5}

ب - معرفی مختصر مهترین اسناد جهانی حقوق بشر

درین مبحث اسناد مهم جهانی حقوق بشری مختصراً به معرفی گرفته خواهد شد .

1 - اعلامیه اسلامی حقوق بشر: اعلامیه اسلامی حقوق بشر در 12 محرم 1411 هجری قمری مطابق 5 اگست 1990 میلادی و 15 اسد 1369 هجری شمسی در اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره با

³ مکس پلانک، رهنمود، حقوق اساسی افغانستان رویه بی مبتنی بر قانون اساسی و حقوق بشر، جلد دوم، ص 41-46

⁴ قانون اساسی افغانستان، جریده رسمی، 1382

⁵ مکس پلانک، رهنمود، حقوق اساسی افغانستان رویه بی مبتنی بر قانون اساسی و حقوق بشر، جلد دوم، ص 48-65

یک مقدمه و 25 ماده به تصویب رسید. که حقوق و آزادی های بشری را از دید طبیعی بیان نموده است. در مواد 24 و 25 این اعلامیه واضع شده است که :

حقوق و آزادی های مذکور درین سند مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی میباشد و همچنان شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه میباشد.⁶

2- منشور بین المللی حقوق بشر: طرح منشور بین المللی حقوق بشر بعد از سال 1946 توسط کمیسیون حقوق بشر ساخته شد و شامل یک اعلامیه دو میثاق و دو پروتوکل الحاقیه بود که ذیلا توضیح میگردد .

الف - اعلامیه جهانی حقوق بشر: اعلامیه جهانی حقوق بشر در 10 دسمبر 1948 مطابق 19 قوس 1327 در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با وجودیکه 8 کشور به ان رای ممتنع دادند به تصویب رسید و طی یک مقدمه و 30 ماده به معرفی حقوق اساسی انسان پرداخت اگرچه اکثر آن از قبل توسط ادیان و نظام های مختلف به رسمیت شناخته شده بود اما این اعلامیه سبب شد توجه به حقوق بشری زیادتیر شود و کشور ها ازین اعلامیه الگو برداری کرده قوانین خود را با مفاد این اعلامیه عیار کردند. شایان ذکر است که در سال 1993 171 کشور که از 99 در صد نفوس جهان نمایندگی میکردند تعهد خود نسبت به اعلامیه حقوق بشر را در جریان یک همایش جهانی مجددا تصدیق نمودند.^{7, 8}

ب - میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتوکل های الحاقیه: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در 16 دسمبر 1966 طی یک مقدمه و 53 ماده توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب گردید و بعد از 23 مارچ 1976 نافذ شد که یک مجموعه طویل از حقوق مدنی و سیاسی را تضمین می کند و خاطر نشان میسازد که این حقوق توسط تمام کشور های عضو رعایت شده و به تمام اشخاص تحت حمایت شان بدون هیچ فرقی از حیث نژاد، رنگ، زبان، مذهب... تضمین گردد. این میثاق کمیته ی حقوق بشر را جهت شکل دهی و تفسیر در مورد مقررات و احکام و نیز بررسی گذارش دولت ها و سمع شکایات خصوصی بنیان نهاد. این میثاق دو پروتوکل اختیاری الحاقیه دارد که پروتوکل اول به اتیاع کشور های عضو اجازه میدهد که شکایات شخصی شان را در کمیسیون حقوق بشر مطرح کنند و پروتوکل دوم به منظور لغو مجازات اعدام است.^{9, 10}

ج - میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در 16 دسامبر 1966 طی یک مقدمه و 31 ماده توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب گردید و در 6 جنوری 1976 نافذ شد. تطبیق حقوق این میثاق به سطح انکشاف کشور های عضو وابسته است و باید به شکل تدریجی تطبیق گردد یعنی هر قدر سطح زندگی بالا برود به همان اندازه امکان تحقق حقوق افراد نیز بالا میرود.¹¹

3- اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه: اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه در 26 اگست 1789 در مجلس مؤسسان فرانسه طی یک مقدمه و 17 ماده بعضی حقوق اساسی را معرفی و حمایت نمود.¹²

⁶ اعلامیه اسلامی حقوق بشر

⁷ گروه آموزش حقوق بشر سازمان عفو بین الملل، آموزش حقوق بشر، ص 10، 11

⁸ اعلامیه جهانی حقوق بشر

⁹ ماکس پلانک، رهنمود، حقوق اساسی افغانستان رویه ی مبتنی بر قانون اساسی و حقوق بشر ص 60

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

¹⁰

¹¹ ماکس پلانک، رهنمود، حقوق اساسی افغانستان رویه ی مبتنی بر قانون اساسی و حقوق بشر، ص 60، 61

¹² اعلامیه ی حقوق بشر و شهروند فرانسه

4- اعلامیه جهانی حقوق کودک: اعلامیه جهانی حقوق کودک در بیست نوامبر 1959 طی یک مقدمه و 10 اصل در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد به حمایت از حقوق بشری کودکان پرداخته است.¹³

5- اعلامیه کنفرانس بین المللی حقوق بشر: از 22 اپریل تا 13 می 1968 در تهران اجلاس جهانی به منظور بررسی پیشرفت های حاصله طی بیست سال گذشته از تاریخ تصویب اعلامیه حقوق بشر و تصویب برنامه ای برای آینده برگزار شد که با در نظر داشت پیشرفت های تکنالوژیکی و نواقص گذشته این اعلامیه را با 19 ماده تصویب کردند.¹⁴

6- اعلامیه ی مربوط به مدافعین حقوق بشر: کار به روی اعلامیه مدافعین حقوق بشر در سال 1984 آغاز گشت و با تصویب متن آن توسط مجمع عمومی در سال 1998 در پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر پایان یافت این اگرچه یک سند الزام آور حقوقی نیست اما شامل یک تعداد استاندارد های حقوق بشری است که به تقویت و حمایت مدافعین حقوق بشر پرداخته و طی موادش حقوق و حمایت های داده شده به مدافعین حقوق بشر، وظایف حکومت ها، مسولیت همه افراد و نقش قوانین کشور هارا بر ملا ساخته است.¹⁵

ج - نهاد های حقوق بشری

در سطح جهان نهاد های مختلف وجود دارد که اکثرا مربوط به سازمان ملل متحد میگردد این جز را با معرفی دو نهاد مهم خلاصه می کنیم .

1 - کمیسیون حقوق بشر: این کمیسیون که نهاد اصلی حقوق بشری سازمان ملل متحد است در سال 1946 توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تاسیس شد و مرکب از 18 عضو بود که اکنون 53 عضو دارد و از بین کشور ها آسیایی، اروپایی، امریکایی و آفریقایی برای مدت سه سال انتخاب میشود. عمده ترین وظیفه این کمیسیون مطالعه و تحقیق در زمینه حقوق بشر و دادن توصیه ها و رهنمود های در جهت ارتقای حقوق بشر و حفظ و حمایت از آن و تنظیم پیش نویس اعلامیه ها و کنوانسیون های حقوق بشر برای تصویب در شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی سازمان ملل متحد.¹⁶

2- نهاد ملی حقوق بشر: نهادی که به وسیله دولت ها طبق قانون اساسی یا قوانین عادی یا فرمان تشکیل شده و کارکرد آن مشخصا در زمینه ترویج و حمایت از حقوق بشر است. نهاد ملی حقوق بشر در سال 1993 توسط کمیسیون حقوق بشر تصویب شد و در همین سال مجمع عمومی سازمان ملل نیز آنرا تصویب کرد. که این نهاد میتواند به حمایت و ترویج حقوق بشر با اختیارات وسیع اقدام نماید و اختیارات این نهاد باید در قانون اساسی و قوانین عادی کشور ها ذکر گردد. طبق قواعد و اصول مربوط به تاسیس نهاد ملی حقوق بشر وظایف ذیل را دارد. تقدیم گزارش به دولت در زمینه های حقوق بشر، ترغیب به تصویب و اجرای معیار های بین المللی حقوق بشر، کمک به تهیه گزارشات مربوط به اسناد بین المللی، تحقق و آموزش و افزایش آگاهی در مورد حقوق بشر، همکاری با سازمان ملل، نهاد های منطقه ای، نهاد های ملی دیگر، و جمع شکایات خصوصی.¹⁷

نوت: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان یک نهاد ملی حقوق بشر است که بتاريخ 16 جوزا 1381 بر اساس توافقنامه بن و فرمان رئیس جمهور افغانستان تشکیل گردید و سپس در سال 1382 با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان در ماده ۵۸ به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن، تسجیل و مبنای

¹³ اعلامیه جهانی حقوق کودک

¹⁴ کنفرانس بین المللی حقوق بشر

¹⁵ اعلامیه ی مربوط به مدافعین حقوق بشر

¹⁶ مهر پور، داکتر حسین، حقوق بشر و راهکار های اجرای آن، ص 27

¹⁷ مهر پور، داکتر حسین، حقوق بشر و راهکار های اجرای آن، ص 19,20

قانونی یافت و قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون در سال 1384 در 4 فصل و 35 ماده توسط رئیس جمهوری اسلامی افغانستان تصویب گردید. بر این اساس کمیسیون دارای ۹ عضو می‌باشد که هر کدام به نام کمیشنر یاد می‌گردند و برای پنج سال از سوی رئیس‌جمهور تعیین می‌گردد. رئیس کمیسیون از میان اعضا از طرف رئیس‌جمهور تعیین می‌گردد. کمیسیون دارای یک معاون بوده که از میان اعضای آن توسط خود آنها انتخاب می‌گردد¹⁸.

پراگراف ششم - مبنای حقوق بشر : در مورد ماهیت حقوق بشر دو نظریه متفاوت وجود دارد. حقوق بشر پسا قانونی و حقوق بشر پیشا قانونی یا طبیعی

الف - حقوق بشر پسا قانونی : به این معنی که انسان به موجب قانون از حقوق بشری برخوردار است هیچ حقی وجود ندارد مگر به موجب قانون و معتقد اند که هر حقی همیشه از طریق یک واسطه به انسان تعلق می‌گیرد و توسط آن حفاظت میشود که همانا دولت است. پیش از تصریح قانون و بیرون از دایره حمایت دولت چنین حقی برای انسان متصور نیست. یعنی حقوق باید به حکم قانون قابل دسترس باشد و با حمایت دولت جایگاه واقعی به دست آورد. کارل مارکس می‌گوید هیچ گاه حقوق نمیتواند مقدم بر نهاد دولت باشد جرمی بنام نیز مفهوم حقوق طبیعی و ابطال ناپذیر را یاه و مزخرفاتی که جایگاه بلند یافته است میداند. هر دو تای این نظریه برین امر اصرار دارند که حقوق را باید همچون ابزاری دانست که در شرایط بعد از تشکیل نهاد ها طرح میشود نه مزایای نخستین و اخلاقی بنا بر این دیدگاه حقوق بشر نیز دارای ماهیت قانونی و پسا نهادی است. و به تعبیری که آمار تیاسن آورده است از این دیدگاه انسان ها همانطور که از نظر پوشاک عریان متولد میشوند از نظر حقوق نیز عریان اند و همانطور که لباس از اجتماع بدست می آورند حقوق را نیز از طریق قانون گذاری کسب میکنند.

خصوصیات این نظریه: جبری بودن, غیر جهانی بودن, متغیر بودن,

1. جبری بودن : به اساس نظریه پسا قانونی حقوق بشر ماهیت جبری دارند یعنی به اساس مواد قانون جبرا بالای اتباع یک کشور قبول میگردد

2. غیر جهانی بودن : به اساس این نظریه حقوق بشر جهانی نیستند بلکه در محدوده قلمرو کشور ها و دولت های خاصی محصور اند و متاثر از فرهنگ جوامع میباشند.

3. متغیر بودن : به اساس نظریه پسا قانونی حقوق بشر خصوصیت متغیر دارند و ممکن است با تغییر قانون حقوق خاصی اثبات شوند و برخی حقوق دیگر مسکوت گذاشته شوند.

تبصره : علمای طرفدار نظریه حقوق بشر طبیعی یا پیشا قانونی نظریه پسا قانونی را دارای مفهوم بسیار محدود میدانند,

چون: اولاً حق بصورت طبیعی مفهوم تکلیف و مسئولیت را نیز در خود دارد. یعنی باید دیگران به رعایت آن برای انسان مکلف و مسئول پنداشته شوند و ثانیاً قوانین همواره در حال تغییر اند بناء حقوقی که به موجب قانون اثبات میشوند نمیتوانند رابطه انسانها را جوامع دیگر تبیین کنند, چون ممکن است در مورد حقوق خاصی قانون یک کشور به گونه یی تصریح کرده باشد که در قانون کشور های دیگر شبیه آن نیست. درین صورت حق دو انسانی که تابع کشور ها و قوانین مختلف اند توسط چه چیزی تصریح خواهد شد و توسط کدام نهاد حمایت میشود و مسئولیت آن حقوق را کی خواهد داشت. علمای نظریه طبیعی با استناد به دلایل فوق نظریه پسا قانونی را دارای مفهوم محدود میدانند.

¹⁸ سایت انترنتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

ب - حقوق بشر پیشاقتانونی (طبیعی): این نظریه یک دیدگاه پذیرفته شده تر است یعنی بشر پیش از حکم قانون و بدون هیچ گونه واسطه یی به خودی خود ازین حقوق برخوردار است. این دیدگاه بر ذاتی بودن حقوق بشر تکیه دارد و انسان را بنا بر ذات انسانی خود دارای این حقوق می شمارد. که از بدو تولد به او تعلق میگیرد این حقوق همزاد اولیه انسان است و تا هنگام مرگ با اوست به این معنی که حقوق بشر از قبل وجود دارد ولی وقتی قانون این حقوق را به یک حکم قانونی تبدیل میکند صرفا این حقوق را برای هر فرد تضمین میکند یعنی قانون نقش نظارتی و تضمین کننده دارد نه نقش ایجاد می. این دیدگاه حقوق بشر را امتیاز و مزیتی میداند که به خاطر شایستگی و ظرفیت انسان به او داده میشود یعنی چون انسان دارای ظرفیت ویژه ی است ازین حقوق برخوردار است و دلیل این که موجودات دیگر غیر از انسان ازین حق برخوردار نیستند نیز به فقدان این ظرفیت و شایستگی ویژه بر میگردد. به اساس این دیدگاه حقوق بشر دارای ماهیت اخلاقی و فراهنگی نیز است.^{19, 20}

نوت: چون راجع ترین نظریه در مورد حقوق بشر همین نظریه پیشاقتانونی است بناء حتی الامکان کوشش نمودیم تمام مباحث ما به اساس این نظریه استوار باشد.

پراگراف هفتم - خصوصیات حقوق بشر: حقوق بشر دارای چندین خصوصیت میباشد که ذیلا بیان میگردد.

مطلق بودن, جهانشمول بودن, ذاتی بودن, سلب ناپذیر بودن, تفکیک ناپذیر بودن

1. مطلق بودن: به این معنی که نمیتوان به آن چیزی افزود و یا تقلیل آورد.

2. جهانشمول بودن: حقوق بشر برای همه انسانها یکسان است چون همه آزاد به دنیا می آیند و در کرامت و حقوق برابر اند و همه انسانها بدون توجه به زمان و مکان دارای این حقوق میباشند.

3. ذاتی بودن: حقوق بشری را نمیتوان کسب کرد یا به ارث برد و این حقوق به مردم فقط به خاطر انسان بودن تعلق میگیرد.

4. سلب ناپذیر بودن: به این مفهوم که غیر قابل واگذاری و غیر قابل الغا و بطلان هستند. یعنی احدی حق ندارد که کسی را بنا بر هر علت از حقوق بشری اش محروم کند مگر به موجب قانون.

5. تفکیک ناپذیر بودن: همه انسانها مستحق زندگی با کرامت یکسان اند.^{21, 22}

¹⁹ مجموعه مقالات برگزیده, حقوق بشر در افغانستان, وزارت خارجه افغانستان, کابل ص 95-98

²⁰ فریدن, مایکل, مبانی حقوق بشر, ترجمه فریدون مجلسی, ص 33-57

²¹ گروه آموزش حقوق بشر سازمان عفو بین الملل, آموزش حقوق بشر, ص 10

²² مجموعه مقالات برگزیده, حقوق بشر در افغانستان, وزارت خارجه افغانستان, ص 95-98

در کشور عزیز ما افغانستان از سالیان متمادی بدینسو از حقوق بشری اتباع حمایت شده است در سالیان قبل از حکومت شاه امان الله خان این حمایت ها از طریق قوانین مدون صورت نمی گرفت اما بعد از حکومت امان الله خان این حمایت ها شکل مدون گرفت و در قوانین و نظامنامه ها ذکر شد چنانچه اولین قانون اساسی مدون افغانستان در سال ۱۳۰۱ش (1922) به نام نظامنامه دولت علیه افغانستان در ۷۳ ماده در دوره زمامداری امیر امان الله خان تصویب شد.

در همین نظامنامه و سایر قوانین اساسی که بعد از آن تصویب شدند از حقوق اتباع افغانستان به اشکال گوناگون حمایت شده است ما درین مبحث در مورد حقوق و آزادی های اتباع که در قانون اساسی سال 1382 پیش بینی شده بحث خواهیم نمود.

درین مبحث طی سه پراگراف در مورد مصادیق حقوق بشر در افغانستان زیر عنوان حقوق ومدنی و سیاسی ، حقوق اقتصادی و اجتماعی و حقوق فرهنگی صحبت خواهد شد .

پراگراف اول - حقوق مدنی و سیاسی :

الف - حقوق مدنی : حقوق مدنی در امپراطوری روم به حقوق حاکم بر روابط شهروندان جامعه روم اطلاق می شد و در مقابل حقوق بشر به کار میرفت که ناظر بر قواعد عمومی حاکم بر روابط اتباع دولت روم با یکدیگر و با شهروندان بود ، حقوق مدنی را میتوان مجموعه قواعدی که احوال شخصیه شهروندان يك جامعه را تعیین می کند، مالکیت خصوصی و حقوق اصلی را که شهروندان می توانند در برابر هم به دست آورند و راه های کسب، انتقال و زوال آن حقوق را سازمان می دهد .

به طور کلی حقوق مدنی حقوق مالی و حقوق غیرمالی اشخاص است. بر علاوه حقوق مدنی نباید فقط افراد را به طور انفرادی مورد نظر قرار دهد، بلکه باید اجتماعات ایشان، به ویژه خانواده را نیز مطالعه و بررسی می کند. حقوق مدنی به معنی عام شامل تمام رشته های حقوق خصوصی اعم از ملی و بین المللی است مثلا در مورد اشخاص اسم، اقامتگاه، احوال شخصی ... و در مورد خانواده نکاح ، طلاق و غیره و به معنی خاص شامل حقوق تجارت، حقوق بحری و هواپیمایی وقوانین کار و بیمه و اصلاحات ارضی میباشد. بحث در مورد حقوق مدنی از حوصله این بحث خارج است بناء به همین آشنایی مختصر اکتفا میکنیم .^{23, 24}

ب - حقوق سیاسی : حقوقی که به موجب آن شخص دارنده حقوق میتواند در حاکمیت ملی خود مانند انتخابات تصدی شغل، قضا و مشاغل رسمی دیگر و یا عضویت هیأت منصفه و یا داشتن امتیاز روزنامه شرکت کند. و یا به عبارت واضح تر، حقوق سیاسی عبارت از حقی است که انسان بتواند در زندگی سیاسی اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران، مقامات سیاسی شرکت جویند و یا در تصدی مشاغل سیاسی و اجتماعی کشور خود نایل آید و یا در مجامع آزادانه عقاید خود را به خوبی ابراز نماید و حقوق سیاسی شامل حال بیگانگان در یک کشور نمیشود فقط اتباع در حاکمیت مشارکت مینمایند را شامل میشود .^{25, 26}

درین بحث فقط به تعریف حقوق سیاسی اکتفا شده است .

²³ جعفری لنگرودی، داکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق ، ص 239

²⁴ سایت انترنتی، ویکی پدیا

²⁵ جعفری لنگرودی، داکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق ، ص 236

²⁶ سایت انترنتی، ویکی پدیا

از تعاریف فوق چنین استنباط می‌گردد که حقوق مدنی و حقوق سیاسی دارای پهلو های مشترک اند و در یک زمان یک حق هم می‌تواند با حفظ مدنی بودن سیاسی نیز باشد بناء درین پراگراف مصادیق حقوق بشری مدنی و سیاسی در افغانستان را مشترکا بحث خواهیم کرد .

1 - عدم تبعیض: عدم به معنی نبود و نیستی است و تبعیض به معنی تفاوت محرومیت و تقدم بر پایه ی نژاد, رنگ پوست, جنسیت, مذهب, عقیده سیاسی, سابقه ملیت اجداد, یا طبقه اجتماعی و غیره حالات میباشد. عدم تبعیض به معنی قایل نشدن فرق, محرومیت و تقدم بین اتباع کشور هاست.²⁷

قایل شدن فرق بین اتباع یک کشور به اساس قوانین موضوعه کشور ها ممنوع است و هیچ دولتی نباید از هیچ لحاظ بین اتباع خود تبعیض قایل شود, تبعیض جنسیتی که در تمام جوامع معمول بوده است اساس این اصل را تشکیل میدهد و نسبت به تبعیض نژادی و طبقاتی حساسیت زیادتیر دارد و تمام جوامع برای از بین بردن تبعیض در قلمرو شان به حمایت ازین اصل پرداخته اند .

در کشور ما علاوه بر پذیرفتن اسناد بین المللی حقوق بشری در ماده 22 قانون اساسی تبعیض و امتیاز را بین اتباع ممنوع قرار داده است و حقوق و وجایب اتباع اعم از زن و مرد را در برابر قانون مساوی گفته است.²⁸

2 - حق زندگی: زندگی از جانب خداوند به انسان داده شده و احدی حق ندارد بدون موجب ازین حق کسی را محروم کند این حق تنها به موجب قانون سلب شده میتواند, به اساس نظریه پسا قانونی حقوق بشر این حق توسط قانون به انسانها داده میشود اما به اساس نظریه پیشا قانونی این حق تنها توسط قانون حمایت می‌گردد و ذات حق یک موهبت الهی است که توسط خداوند به بندگانش داده شده است .

ازین حق در قوانین کشور ها حمایت صورت گرفته و در کشور عزیز ما ازین حق در ماده 23 قانون اساسی حمایت شده به اساس این ماده زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است و هیچ شخص بدون مجوز قانونی ازین حق محروم نمی گردد.²⁹

3 - حق آزادی: در مورد حق قبلا اشاره شد و آزادی حالتی است در انسان که به موجب آن شخص میتواند آنطور که اراده کند رفتار نماید و این در مواردی است که قوانین الزامی (امر و نهی) وجود نداشته باشد.³⁰

آزادی از جمله حقوق طبیعی انسان است و نمیتوان برای آن مرز تعیین کرد مگر به موجب قانون, انسان در صورتی میتواند که ازین آزادی ها مستفید شود که به حقوق و آزادی های دیگران صدمه وارد نگردد و نظم اجتماعی نیز بر هم نخورد.

در کشور ما این حق یکی از حقوق اساسی اتباع گفته شده مطابق ماده 24 قانون اساسی آزادی حق طبیعی هر انسان است, این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم میگردد حدودی ندارد, آزادی و کرامت انسان از تعرض مصئون است, دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف است و همچنان مطابق ماده 32 قانون اساسی مدیون بودن شخص موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی نمیشود .

²⁷ جعفری لنگرودی, داکتر محمد جعفر, ترمینولوژی حقوق, ص 138, 444

²⁸ قانون اساسی افغانستان, جریده رسمی

²⁹ قانون اساسی جریده رسمی

³⁰ جعفری لنگرودی, داکتر محمد جعفر, ترمینولوژی حقوق, ص 30

4 - اصل برائت الذمه : برائت الذمه خالی بودن ذمه شخص معین از تعهد را گویند خوا اساسا ذمه شخص در مقابل شخص معین دیگر از اول مشغول نشود و یا مشغول شده و فارغ شود.³¹ این اصل متضمن حفظ و حمایت از حقوق و آزادی های اشخاص در مواجه شدن با وضعیت اتهامی است که به حیث یک اصل تضمین شده در قوانین دول مختلف تصریح گردیده است این اصل در اجراءات جزایی مانع از توصل به اقدامات خشونت آمیز میشود و به اساس این اصل متهم مکلفیت به اثبات بی گناهی خود ندارد و تا زمانیکه با دلایل , مدارک و شواهد به اثبات نرسیده بی گناه شناخته میشود .

به اساس ماده 25 قانون اساسی برائت الذمه حالت اصلی است , متهم تا وقتیکه به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد بی گناه شناخته میشود .

5 - اصل شخصی بودن جرایم : اصل به معانی متعدد به کار رفته , به مدرک قانونی چیزی اعم از آیه , حدیث , اجماع یا عقل به کار میرود , میتواند قانده معنی شود به دستور العمل شارع در حالات شک و تردید بدون این که در دستور مزبور جهت کشف از واقع منظور باشد نیز اطلاق میگردد و به معنی رد دلیل نیز آمده و میتوان آنرا فرض قانونی خواند و همچنان قوائد وسیع حقوقی را نیز اصل گویند . و شخصی بودن منسوب بودن به انسان معنی میشود و جرایم جمع جرم است و جرم عبارت است از مخالفت با نهی که قانون برای آن مخالفت مجازات معین کرده باشد.³²

جرم یک عمل شخصی است و هیچ عمل مربوط به متهم به شخص دیگر سرایت نمیکند . مطابق ماده 26 قانون اساسی جرم یک عمل شخصی است , تعقیب , گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمیکند .

6 - اصل قانونی بودن جرایم و مجازات : در مورد اصل و جرایم قبلا اشاره شد , قانونی بودن اشاره به این است که در قوانین نافذ پیش بینی شده باشد و مجازات مشقتی است که مقنن به مجرم تحمیل میکند و مترادف به کیفر و عقوبت است که به کسی که خلاف قانون یا اخلاق یا عرف رفتار کرده و مرتکب عمل بد شده باشد داده میشود . اصل قانونی بودن جرایم و مجازات به این معنی است که جرایم و مجازات را قانون باید پیش بینی کند هیچ شخص را نمیتوان به ارتکاب عملی که قانون پیش بینی نکرده مجرم خواند و هیچ مجرم را نمیتوان به مجازاتی که در قانون پیش بینی نشده است محکوم کرد.³³

این اصل یکی از اصول پذیرفته شده جهانی است که با در نظر داشت این اصل میتوان تثبیت کرد که کدام عمل جرم است و کدام عمل جرم نیست و برای عملیکه جرم پنداشته شده باشد قبل از انجام عمل چه نوع مجازات را باید به مرتکب عمل تطبیق نمود .

مطابق ماده 27 قانون اساسی افغانستان هیچ عملی جرم شمرده نمیشود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد و هیچ شخص را نمیتوان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد .

7 - حق تابعیت : تابعیت رابطه سیاسی , حقوقی و معنوی که یک شخص با یک دولت معین دارد . داکتر ابوالفضل قاضی شریعت پناهی در کتاب حقوق اساسی و نهاد های سیاسی خود تابعیت را چنین تعریف نموده است "تابعیت خصلت حقوقی است که به موجب آن شخص تابع به جهت تعلق به کشور معین دران کشور دارای حقوق و تکالیفی است . پس تابعیت یک رابطه میان شخص و دولت است که به اساس آن حقوق و تکالیف اتباع توسط دولت حمایت و پیش بینی میگردد و اتباع مکلف به رعایت و انجام تکالیف و استفاده از حقوق شان میگردد , قانون تابعیت افغانستان تابعیت را یک رابطه حقوقی بین فرد و دولت گفته است .

³¹ جعفری لنگرودی , داکتر محمد جعفر , ترمینولوژی حقوق , ص 108

³² جعفری لنگرودی , داکتر محمد جعفر , ترمینولوژی حقوق , ص 46,190

³³ جعفری لنگرودی , داکتر محمد جعفر , ترمینولوژی حقوق , ص 615, 52,579

مطابق ماده 28 قانون اساسی افغانستان هیچ افغان به سلب تابعیت و یا تبعید در داخل یا خارج افغانستان محکوم نمیگردد. و هیچ یک از اتباع به علت ارتکاب جرم به دولت خارجی سپرده نمیشود مگر به اساس معامله بالمثل و پیمان های بین الدولی که افغانستان به آن پیوسته باشد.

8 - اصل عدم شکنجه، کرامت انسانی و عدم تحصیل اقرار به اجبار : عدم به معنی نیستی، نابودی و ضد وجود است و شکنجه به معنی رنج، آزار، عذاب و عزیت است و کرامت یعنی بزرگی و ارجمندی و انسان یعنی آدمی زاد، بشر و مردم است و اقرار عبارت است از اخبار بحقی به نفع غیر و به زیان خود باشد. این سه اصل از اصول تعیین شده در مرحله کشف و تحقیق و سایر مراحل دعوی جزایی میباشند، و اشخاص در حالات ظن و اتهام و سایر حالات نباید تحت هیچ گونه فشار روحی و جسمی قرار گیرند و تحصیل اقرار به زور و در نظر نگرفتن کرامت انسانی هنگام بازپرسی در قوانین اکثریت کشورها ممنوع است.

مطابق مواد 29 و 30 قانون اساسی افغانستان تعذیب انسان ممنوع است هیچ شخص نمیتواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد به تعذیب او اقدام کند یا امر دهد و تعیین جزای خلاف کرامت انسانی ممنوع است و همچنان اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه بدست آورده شود اعتبار ندارد و متهم باید به رضایت کامل، صحت عقل و در حضور محکمه با صلاحیت اعتراف کند.

9 - حق تعیین وکیل مدافع : وکیل مدافع کسی است که با داشتن جواز وکالت انجمن وکلا و عضویت در یکی از انجمن های وکلای مدافع از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی (دولتی یا غیردولتی) دفاع از حقوق موکل و پاسخ به ادعاها و دلایل و ارائه آن ها را در سارنوالی و محکمه ها و ادارات ثبت اسناد و املاک می پذیرد. وکیل کسی است که به جای موکل (کسی که وکیل را انتخاب می کند و به او وکالت می دهد) کارهایی را که خود موکل اهلیت انجام آنها را ندارد بر عهده می گیرد، مظنونین و متهمین حق دارند برای دفع اتهام و اثبات حق خود وکیل مدافع تعیین کنند و در صورتی که متهم نتواند حقوق وکیل مدافع را پرداخت کند دولت برایش وکیل مدافع تعیین میکند و احدی نمیتواند مراسلات و مکالمات متهم و وکیلش را تفتیش کند.

این حق در قوانین نافذ کشورها پیش بینی شده و مطابق ماده 31 قانون اساسی افغانستان هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود وکیل مدافع تعیین کند، متهم حق دارد به مجرد گرفتاری از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل معیادی که قانون تعیین میکند در محکمه حاضر گردد و دولت در قضایای جنائی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین میکند، محریمیت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن از هر نوع تعرض مصئون است و وظایف و صلاحیت وکیل مدافع توسط قانون تنظیم میگردد.

10 - حق انتخاب کردن و انتخاب شدن : از جمله حقوق اساسی و سیاسی بشر میباشند که به اساس آن اتباع یک کشور میتوانند برای خدمت به مردم و یا رسیدن به قدرت خود را به یکی از مراجع دولتی انتخاب کنند و شرایط انتخاب شدن توسط قوانین همان کشور تنظیم میگردد و همچنان هر تبعه میتواند همین حق را معکوسا اعمال کند. مطابق ماده 33 قانون اساسی اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند و شرایط و طرز استفاده از این حق توسط تنظیم میگردد.

11 - حق آزادی بیان : حق آزادی بیان در قوانین اکثریت کشورها تابع محدودیت زیاد نیست و شامل اظهار عقیده، مذهب، وجدان و فکر هر انسان میشود ولی در کشور های اسلامی این آزادی محدود است و توسط شرع تنظیم میگردد یعنی مطابق احکام دین مقدس اسلام میتوان از این حقوق مستفید شد.

مطابق ماده 34 قانون اساسی افغانستان آزادی بیان از تعرض مصئون است، هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر با رعایت احکام قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد به طبع و نشر مطالب بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی بپردازد که شرایط آن توسط قانون تنظیم میگردد.

12 - حق تاسیس جمعیت ها احزاب سیاسی و حق اجتماع و تظاهرات : حق تاسیس جمعیت ها حقی است که به موجب آن افراد حق دارند که به منظور مشورت و بحث در موضوعی گرد هم جمع آیند و حزب سیاسی جمعیت سازمان یافته است از اشخاص حقیقی که طبق احکام قانون و اساسنامه مربوط، برای نیل به اهداف سیاسی در سطح ملی و محلی فعالیت می نماید. آزادی سیاسی حقی است که به موجب آن افراد میتوانند حق حاکمیت را داشته باشند. هر انسان حق دارد به منظور رسیدن به اهداف مالی و یا معنوی به تاسیس جمعیت ها بپردازد و همچنان میتواند جهت رسیدن به اهداف خود به تاسیس احزاب سیاسی بپردازد. تاسیس جمعیت ها و احزاب مطابق عرف هر جامعه محدودیت ها و شرایط دارد و این شرایط توسط قوانین همان کشور تنظیم میگردد و همچنان اتباع هر کشور حق دارند برای تامین مقاصد شان به اجتماع و تظاهرات بپردازند.

مطابق مواد 35 و 36 قانون اساسی افغانستان اتباع افغانستان حق دارند به منظور تامین مقاصد مادی و معنوی مطابق به احکام قانون جمعیت ها تاسیس نمایند و میتوانند مطابق به احکام قانون احزاب تاسیس کنند مشروط بر این که مرانامه و اساسنامه حزب مناقص احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزشهای مندرج قانون اساسی نباشد، تشکیلات و منابع مالی علنی داشته باشد، اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد، وابسته به احزاب سیاسی و منابع خارجی نباشد و همچنان تاسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب فقهی جواز ندارد همچنان اتباع افغانستان حق دارند برای تامین مقاصد جایز و صلح آمیز بدون حمل سلاح طبق قانون اجتماع و تظاهرات نمایند.

13 - حق حریمت مکالمات و مراسلات : نامه ها و مکاتبات افراد اساسا مصئون از تعرض است و کسی حق ندارد آنها را باز کرده و بخواند این اصل مربوط به حمایت از زندگی خصوصی افراد است معمولاً در قوانین کشور های مختلف متخلف از این اصل را شدیداً مورد مجازات قرار می دهند. اما در حالات اضطراری ممکن بر حسب حکم محکمه بازبینی و قرائت مکاتبات افراد اجازه داده شود تا از خطرات احتمالی جلوگیری گردد.³⁴

مطابق ماده 37 قانون اساسی افغانستان آزادی و حریمت مراسلات و مخابرات اشخاص چه بصورت مکتوب باشد و چه بوسیله تلیفون، تلگراف و وسایل دیگر از تعرض مصئون است و دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد مگر مطابق به احکام قانون.

14 - حق مصئونیت مسکن و انتخاب مسکن : هر شخص حق دارد محل مسکونی خود را انتخاب کند و درین باب هیچ گونه تحدیلی بر فرد حایز نیست لذا گزینش محل و نقل و انتقال بر حسب اراده شخص انجام میشود. همچنان مسکن افراد از تعرض مصئون است و هیچ کس نمیتواند بدون اجازه صاحب خانه وارد منزل او شود علواً فرد آزاد است که از مسکن خود هرگونه استفاده ای که مایل باشد بنماید بشرط آنکه نوع استفاده خلاف قانون و اخلاق حسنه نباشد.³⁵

مطابق مواد 38 و 39 قانون اساسی افغانستان "مسکن شخص از تعرض مصئون است هیچ شخص به شمول دولت نمیتواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه با صلاحیت به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است به مسکن شخص داخل شود یا آنرا تفتیش نماید. در مورد جرم مشهود مامور مسئول میتواند بدون اجازه قبلی محکمه به مسکن شخص داخل شود یا آنرا تفتیش کند. مامور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش در خلال مدتی که قانون تعیین میکند قرار محکمه را حاصل نماید. همچنان هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است.

15 - حق مسافرت : آزادی مسافرت را میتوان اختیار نفس خواند و آن آزادی بدنی هر فرد است بطوری که بتواند از هر نقطه کشور خود به نقطه دیگر آن مسافرت نموده یا نقل مکان دهد یا از کشور خود خارج شده و به آن مراجعت نماید

³⁴ قاضی شریعت پناهی، داکتر ابو الفضل، حقوق اساسی و نهاد های سیاسی، ص 561

³⁵ قاضی شریعت پناهی، داکتر ابو الفضل، حقوق اساسی و نهاد های سیاسی، ص 559

و از توقیف بدون جهت مصئون باشد³⁶. حق عبور و مرور آزاد در داخل خاک کشور و همچنین برای خروج ازان ویا ورود به آن جزو حقوق شناخته شده افراد در کشور هاست که میتواند به اساس قوانین دول مختلف دارای محدودیت ها شود و مسافرت به خارج از سرزمین خود نیز دارای شرایط مطابق عرف کشور ها و فرهنگ هایشان است .

مطابق ماده 39 قانون اساسی افغانستان هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است , هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج از افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند, دولت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور حمایت میکند .

16 - حق دسترسی به اطلاعات و استخدام در ادارات دولتی : حق دسترسی به اطلاعات و اخبار یکی از حقوق شهروندان برای دست یابی به درست ترین و صادقانه ترین اطلاعات در باب مسایل و حوادث داخلی و بین المللی و همچنان آزادی چاپ و نشر , آزادی ایجاد موسسه انتشارات ممنوع بودن سانسور و کوشش برای ممانعت از وابستگی مطبوعات به قدرت های مالی و ایجاد مقررات دقیق و سنجیده در باره نیرومند ترین وسایل رساننده گروهی نظیر رادیو و تلویزیون میباشد . این حقوق در دول دموکراتیک و دول متمرکز متفاوت است بعضا دولت ها شرایط آسانی درین خصوص دارند و بعضا شرایط استفاده ازین حقوق سخت تر است .³⁷

همچنان هر تبعه حق دارد در ادارات دولتی بدون هیچ نوع تبعیض استخدام شود و دولت ها مکلف به زمینه سازی جهت استخدام اتباع شان در ادارات دولتی میباشد .

مطابق ماده 50 قانون اساسی افغانستان اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد . و دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید , اداره اجراء خود را به بیطرفی کامل و مطابق احکام قانون عملی میسازد و همچنان اتباع افغانستان به اساس اهلیت و بدون هیچ گونه تبعیض و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته میشوند .

17 - حق جبران خساره وحق اقامه دعوی : جبران خساره یعنی تلافی مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به شخص دیگری شده باشد به متضرر داده شود و اقامه دعوی یعنی طرح دعوی در مرجع با صلاحیت مدنی جزایی ویا اداری میباشد .³⁸

اگر به اثر ارتکاب جرم یا اشتباها کسی از لحاظ مالی متضرر شود مرتکب مکلف به جبران خساره میباشد و متضرر میتواند برای تحصیل حق خود دعوی اقامه کند این دعوی میتواند علیه اشخاص ویا ادارات باشد و همچنان اگر کسی از جانب دولت بدون موجب متضرر شود باید خسارتش جبران گردد , حالات زوال این حق توسط قانون تنظیم میگردد .

مطابق ماده 51 قانون اساسی افغانستان هر شخص که از جانب اداره بدون موجب متضرر شود مستحق جبران خساره میباشد و میتواند برای حصول آن در محکمه دعوی اقامه کند به استثنای حالاتیکه در قانون تصریح گردیده است, دولت نمیتواند بدون حکم محکمه با صلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند .

18 - حق تشکیل خانواده : خانواده یک واحد حقوقی است که لا اقل از یک زن و یک مرد که بین آنها رابطه زوجیت وجود داشته باشد ناشی میشود .³⁹ باید دانست که موجودیت یک زن و یک مرد در ابتدا ضروری است و سبب بقای خانواده بوده نمیتواند و شرایط این واحد توسط قانون تنظیم میگردد. حق تشکیل خانواده از حقوق اساسی اتباع یک

³⁶ جعفری لنگرودی , داکتر محمد جعفر , ترمینولوژی حقوق , ص 31

³⁷ قاضی شریعت پناهی , داکتر ابو الفضل , حقوق اساسی و نهاد های سیاسی , ص 564-565

³⁸ جعفری لنگرودی , داکتر محمد جعفر , ترمینولوژی حقوق , ص 68, 160

³⁹ جعفری لنگرودی , داکتر محمد جعفر , ترمینولوژی حقوق , ص 256

کشور بوده و خانواده رکن اساسی اجتماع خوانده میشود. دولت ها جهت حفظ خانواده ها تدابیر لازم صحتی و تربیتی و سایر تدابیر را اتخاذ میکنند .

مطابق ماده 54 قانون اساسی افغانستان خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل میدهد و مورد حمایت دولت قرار دارد و دولت به منظور تامین سلامت جسمی و روحی خانواده بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ میکند .

پراگراف دوم - حقوق اقتصادی و اجتماعی

الف - حقوق اقتصادی : در مورد حقوق اقتصادی نظریات گوناگون وجود دارد و اکثراً حقوق اقتصادی را روابطی میان اتباع و دولت در مواردی مربوط به اقتصاد میدانند و برخی نیز حقوق اقتصادی را قواعدی مربوط به مداخله دولت در امور اقتصاد خوانده اند .

ب - حقوق اجتماعی : حقوق اجتماعی حقوقی است که مقنن برای اتباع کشور در رابطه به موسسات عمومی مقرر نموده است .

درین پراگراف فقط در مورد مصادیق حقوق بشری اقتصادی و اجتماعی در افغانستان اشاره میشود چون بحث در مورد پهلو های دیگر این حقوق از حوصله این پراگراف خارج است .

1 - حق مالکیت : ملکیت رابطه حقوقی است بین شخص و چیز مادی (جاندار یا بیجان، منقول یا غیر منقول) که به موجب این رابطه حق هر گونه بهره برداری از آن چیز را دارد مگر اموری که قانون استثنا کرده باشد و حق مالکیت اختیار قانونی شخص معین بر اشیا یا اموال یا اشخاص دیگر است.⁴⁰ اموال از جمله چیز های است که معمولاً به حیث مقولاتی که فرد یا گروه بران حق انحصاری دارد شناخته شده اند و همچنان عناصر درآمد و سرمایه به حساب می آید و شامل اموال غیر منقول (زمین)، منقول (موتور) و اموال معنوی (آثار هنری) میشود. حق ملکیت شامل استفاده آزاد، بهره مندی و فروش و واگذاری دستاورد های شخص می گردد. حق ملکیت با اموال در ارتباط است و به شخص اجازه میدهد تا دیگران را از استفاده ویا بهره مندی از مایملک شخصی خود جدا فرض کند. مالک حق هبه آزاد مال خود را دارد و دولت وظیفه دارد از اموال فرد در مقابل اقدامات جرمی ویا سایر انواع تصرف در اموال خصوصی افراد توسط دیگران حمایت کرده و به تصویب قوانین لازم برای پیش بینی شرایط در خصوص ملکیت و جلوگیری از نقض حق ملکیت بپردازد.⁴¹

در ماده 40 قانون اساسی افغانستان چنین آمده است: "ملکیت از تعرض مصئون است، هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی شود مگر در حدود احکام قانون، ملکیت هیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت صادره نمیشود، استملاک ملکیت شخص تنها به مقصد تامین منافع عامه در بدل تعویض قبلی و عادلانه به موجب قانون مجاز میباشد، تفتیش و اعلان دارایی شخص تنها به حکم قانون صورت میگیرد .

و همچنان در ماده 41 قانون اساسی شرایط ملکیت اشخاص خارجی چنین پیش بینی شده است "اشخاص خارجی در افغانستان حق ملکیت اموال عقاری را ندارند، اجاره عقار به منظور سرمایه گذاری مطابق احکام قانون مجاز میباشد، فروش عقار به نمایندگی های سیاسی دول خارجی و موسسات بین المللی که افغانستان عضو آن باشد مطابق به احکام قانون مجاز می باشد .

⁴⁰ جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص 599,686

⁴¹ ماکس پلانک، رهنمود، حقوق اساسی افغانستان رویه بی مبتنی بر قانون اساسی و حقوق بشر، ص 143,144

2 - حق کار : کار به معنی پیشه و شغل است و حق کار یعنی حق انتخاب پیشه و شغل و تغییر آن یعنی همه حق دارند کارکنند و هر کسی که به سن کار میرسد مستحق داشتن کاری منطبق با شرایط تحصیلی، تخصص و گرایش خود میباشد و دولت ها باید زمینه اشتغال کامل را در جامعه مساعد سازند .

مطابق ماده 48 قانون اساسی افغانستان کار حق هر افغان است و تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم میگردد. انتخاب شغل و پیشه در حدود احکام قانون آزاد میباشد. و مطابق ماده 41 قانون اساسی تحمیل کار اجباری ممنوع است سهم گیری فعال در حالات جنگ، آفات و سایر حالاتیکه حیات و آسایش عامه را تهدید کند از وجایب ملی هر افغان است همچنان تحمیل کار بر اطفال جواز ندارد.

3 - حق دسترسی به خدمات صحی : خدمات صحی خدمات مربوط به صحت و سلامت افراد است و هر انسان حق دارد به این خدمات دسترسی داشته باشد و دولت ها مکلف به تامین این خدمات برای اتباع شان اند .

مطابق ماده 52 قانون اساسی افغانستان دولت وسایل وقایه و علاج و تسهیلات صحی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تامین مینماید، دولت تاسیس و توسعه خدمات طبی و مراکز صحی خصوصی را مطابق به احکام قانون تشویق و حمایت میکند، دولت به منظور تقویت تربیت بدنی سالم و انکشاف ورزش های ملی و محلی تدابیر لازم اتخاذ مینماید .

و همچنان در ماده 53 دولت به تنظیم خدمات طبی و مالی به بازماندگان شهدا و مفقودین، معلولین و معیوبین مکلف به اتخاذ تدابیر لازم گردیده است .

4 - حق باز نشستگی : دولت ها مکلف به پرداخت حقوق تقاعد اتباع شان میباشدند که شرایط تحصیل و پرداخت آن توسط قوانین کشور ها تنظیم میگردد.

مطابق ماده 53 قانون اساسی دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده و برای کهن سالان، زنان بی سر پرست، معلولین و معیوبین و ایتم بی بضاعت مطابق احکام قانون کمک لازم به عمل می آورد .

پراگراف سوم - حقوق فرهنگی : فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد و وجه تمایز انسان از دیگر مخلوقات است. به حقوق فرهنگی در اسناد حقوق بشری اشاره نشده اما برخی علما چنین ابراز نظر میکنند "حقوق فرهنگی دسته ای از حقوق بشر است که از حق انسان به مشارکت در حیات فرهنگی جامعه و دستیابی به آموزش و حفظ هویت فرهنگی، زبانی و آداب و رسوم حمایت می نماید. این حقوق در بر گیرنده حمایت بهره مندی از توسعه های علمی، حفظ اخلاق و منافع اصولی در علوم، کسب دانش یا تولیدات هنری نیز میباشد .

1 - حق تعلیم و تحصیل : به موجب این حق هر انسان میتواند در کشورش تعلیم نماید و مطابق رشته دلخواه اش تحصیل کند و همچنان میتواند به تاسیس موسسات تعلیماتی خصوصی اقدام کند. دولت مکلف است برای تعلیم و تحصیل اتباعش شرایط مناسب فراهم کند .

مطابق ماده 43 قانون اساسی افغانستان "تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لسانس در موسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تامین میگردد، دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تامین تعلیمات متوسطه اجباری پروگرام موثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبانهای مادری را در مناطقی که به آنها تکلم میکنند فراهم سازد .

ماده 44 قانون اساسی "دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امهای بی سواد در کشور پروگرام های موثر طرح و تطبیق نماید .

ماده 45 قانون اساسی "دولت نصاب واحد تعلیمی را بر مبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی و مطابق با اصول علمی طرح و تطبیق میکند و نصاب مضامین دینی مکاتب را بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان تدوین می نماید .

ماده 46 قانون اساسی "تاسیس و اداره موسسات تعلیمات عالی عمومی و اختصاصی وظیفه دولت است ، اتباع افغانستان میتوانند به اجازه دولت به تاسیس موسسات تعلیمات عالی ، عمومی ، اختصاصی و سواد آموزی اقدام نمایند . دولت میتواند تاسیس موسسات تعلیمات عالی ، عمومی و اختصاصی را به اشخاص خارجی نیز مطابق به احکام قانون اجازه دهد ، شرایط شمول در موسسات تعلیمات عالی دولتی و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم میگردد .

ماده 47 قانون اساسی "دولت برای پیشرفت علم ، فرهنگ ، ادب و هنر پروگرام های موثر طرح می نماید ، دولت حقوق مولف ، مخترع و کاشف را تنظیم می نماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق و حمایت میکند و استفاده موثر از نتایج آنرا مطابق به احکام قانون تعمیم می بخشد .

مبحث سوم - حمایت جزایی حقوق بشری در افغانستان : دولت ها زمانیکه برای اتباعشان حقوق قایل میشوند ایجاب میکند که این حقوق را مورد حمایت قرار دهند و قواعدی طرح کنند که در صورت نقض مستوجب مویداتی باشد این قواعد برای پیشگیری از سلب حقوق پیش بینی شده در قوانین اساسی کشور هاست و همیشه توأم با مجازات است اگر قانون اساسی یک کشور پیش بینی کند که آزادی حق هر انسان به این معنیست که برای اتباعش حق آزاد بودن قایل شده است پس اگر آزادی شخصی توسط دیگری سلب گردد دولت چگونه میتواند ازین حقوق حمایت کند . طبیعیتست که دولت باید برای جلوگیری از سلب حقوق اتباعش در قوانین جزایی و سایر قوانین ازین حقوق حمایت میکند . در کود جزای افغانستان موارد سلب حقوق بشری پیش بینی شده و برای هرکدام مجازاتی در نظر گرفته شده است که درین مبحث به مجازات پیش بینی شده کود جزای افغانستان در صورت نقض حقوق طبیعی افراد اشاره خواهد شد .

1- سلب حیات : اقدام به قتل و گرفتن جان کسی بزرگ ترین نقض حقوق بشری به شمار میرود ، از آغاز بشریت تا کنون دولت ها در سدد امهای مجرمیت ویا تربیه مجدد مجرمین بوده اند این امر با عث شده که در قوانین جزایی شان برای جرایم مختلف مجازات پیش بینی کنند و این مجازات ها در ادوار مختلف حالات گوناگون داشته است و همیشه در تغییر بوده اند . زمانیکه دولت برای اتباع خود در پرتو احکام دین یا به اساس عرف و فرهنگ حقوق قایل میشود و در قانون اساسی انعکاس میدهد باید ازین حقوق حمایت نیز به عمل آورد یعنی اگر دولتی حق زندگی را یکی از حقوق اساسی اتباع خود میداند و در قانون اساسی انعکاس میدهد پس اگر کسی سبب نقض این حق یکی از شهروندان گردید دولت چی مکلفیت دارد ، درین مرحله دولت قبل از وقوع جرم حالات نقض حق زندگی را بیان نموده برای عاملین به اساس شرایط نقض حیات مجازات پیش بینی میکند و در قوانین جزایی انعکاس میدهد . با استناد به ترمینولوژی حقوق داکتر جعفر لنگرودی قتل عبارت است از لطمه به حیات دیگری غیر از طریق سقط جنین خواه به وسیله عمل مادی و فیزیکی باشد خوا بوسیله ترک فعل مثل این که مادری بطفل شیر خواره خود که تحت حضانت او است شیر نهد تا او بمیرد . در موارد سلب حیات معمولا قوانین جزایی کشور ها موقف شدید دارد و مجازات سخت پیش بینی میکند چون حق حیات از مهم ترین حقوق انسانها به شمار میرود و در صورت نقض این حق مجنی علیه از تمام حقوق انسانی محروم میگردد ، از لحاظ اخلاق و عدالت نیز چنین صدق میکند که جزا باید مطابق عمل مرتکبه باشد . مطابق کود جزای افغانستان حالات سلب حیات شامل قتل عمد ، قتل خطا و سقط جنین میگردد و هرکدام دارای حالات مختلف و شرایط تحقق مختلف اند که ذیلا به آن اشاره میگردد .

الف - قتل عمد : قتل عمد قتل از روی قصد و اراده را گویند . مطابق ماده 546 کود جزای افغانستان قتل عمد عبارت است از از بین بردن حیات شخص دیگر با داشتن قصد قتل ، یعنی به عملی قتل عمد گفته میتوانیم که شخصی با داشتن قصد قتل سبب سلب حیات دیگری گردد در غیر اینصورت مرتکب به ارتکاب قتل عمد متهم نمیگردد . به اساس صراحت همین

ماده اگر شرایط حد قصاص تحقق یابد مرتکب به اساس شریعت اسلام و در صورت که قصاص از اسباب اسقاط یا عدم تحقق شرایط اسقاط شود مرتکب به اساس قانون جزا مجازات می‌گردد .

- مطابق ماده 547 مرتکب قتل در یکی از حالات ذیل به حبس ابد یا اعدام محکوم می‌گردد .
- در صورتیکه قتل با برنامه ریزی و ترصد همراه باشد.
 - در صورتیکه قتل با مواد سمی کشنده یا مواد انفجاری یا حریق صورت گرفته باشد.
 - در صورتیکه مقتول موظف خدمات عامه بوده و قتل در اثنای اجرای خدمت یا در ارتباط به آن صورت گرفته باشد
 - در صورتیکه قاتل قصد قتل بیش از یک نفر را داشته باشد و به اثر یک عمل همه آنها به قتل رسیده باشد .
 - در صورتیکه قتل توأم با جنایت یا جنحه عمدی دیگر صورت گرفته باشد .
 - در صورتیکه قاتل به حبس ابد محکوم شده در خلال مدت تنفیذ حکم مرتکب قتل عمد دیگر گردیده باشد.
 - در صورتیکه قاتل بعد از قتل جسد را مثله کرده باشد .
 - در صورتیکه قاتل از اصول مقتول باشد .
 - در صورتیکه قتل تمهید، تسهیل و یا قادر شدن به ارتکاب جنایت یا جنحه که جزای آن کمتر از یک سال حبس نباشد و یا به منظور فرار یا رهایی از جزا صورت گرفته باشد.

ب - قتل خطا : قتل خطا و یا غیر عمد کشتن انسان بدون قصد و اراده و ناشی از عدم مهارت، بی احتیاطی، عدم دقت، غفلت و عدم رعایت مقررات را گویند.⁴² یعنی اگر یک عمل خارج از اراده انسان باعث قتل گردد در حکم قتل خطا بشمار میرود و درین صورت به لحاظ حمایت حقوق انسان برای قتل خطا جزای کمتر پیش بینی می‌گردد.

مطابق ماده 552 کود جزا، هر گاه ضرب و جرح منجر به قتل گردد مرتکب به حبس طویل محکوم می‌گردد. ماده 555 کود جزای افغانستان در مورد چنین صراحت دارد. مرتکب قتل خطا به حبس متوسط تا سه سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و هشتاد هزار محکوم می‌گردد.

ج - سقط جنین : جنین عبارت از فرزند مادام که در رحم مادر است، مبدا جنین ابتدا آبستی است و منتهای آن لحظه ماقبل ولادت. سقط جنین جرمی است که نتیجه آن بیرون انداختن جنین از رحم باشد و فاعل جرم اعم از مادر یا پدر یا شخص ثالث قصد این نتیجه را داشته باشد خواه وسایلی به کار برده باشد خواه نه، این جرم هر جا که محقق شود عنوان قتل را طرد میکند و اصطلاحاً قتل شامل این مورد نیست و هر گاه جنین به اثر عوامل درونی از بین برود سقط صدق نمیکند.⁴³

مطابق ماده 569 کود جزای افغانستان شخصی که عمدا جنین زن حامله را از بین ببرد یا آنرا قبل از موعد طبیعی تولد بیرون آورد مرتکب جرم اسقاط جنین می‌گردد و هر گاه درین جرم شرایط اقامه دیت تکمیل نگردد یا به نحوی از انحا اسقاط شود مرتکب مطابق احکام کود جزا مجازات می‌گردد .

ماده 270 کود جزا شخصی که عمدا جنین زن حامله را از طریق ضرب یا هر نوع اذیت دیگر اسقاط نماید به حبس طویل تا هفت سال محکوم می‌گردد.

ماده 571 کود جزا "شخصی که عمدا به وسیله دادن ادویه یا استعمال سایر وسایل موجب اسقاط جنین شود گرچه به رضایت زن صورت گرفته باشد به حبس متوسط محکوم می‌گردد و اگر ادویه به حسن نیت یا اشتباه داده شود به جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار محکوم می‌گردد . هر گاه اسقاط کننده طب، جراح، دواساز یا قابله باشد به حبس متوسط

⁴² جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص 528

⁴³ جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص 200

بیش از دو سال محکوم می‌گردد هر گاه اسقاط جنین به منظور نجات حیات مادر با تجویز طبیب به منظور تداوی صورت گرفته باشد فاعل مجازات نمی‌گردد .

ماده 272 کود جزا "هرگاه زن حامله با وجود علم به نتیجه عمل عمداً به خوردن ادویه یا استعمال دیگر وسایل راضی شود یا خود عمداً به این عمل مبادرت ورزد یا به شخص دیگری اجازه استعمال وسایل متذکره را بدهد و به اثر آن اسقاط جنین واقع گردد به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی تا شصت هزار محکوم می‌گردد

2 - سلب آزادی : چنانچه قبلاً اشاره شد حق آزادی یکی از حقوق طبیعی انسان است و در قانون اساسی افغانستان این حق به عنوان یکی از حقوق اساسی اتباع پیش بینی شده است حال اگر این حق اتباع افغانستان به ناحق توسط کسی سلب گردد عکس العمل دولت چیست : مطابق ماده 585 کود جزا شخصی که دیگری را گرفتار یا آزادی وی را به صورت غیر قانونی سلب یا محدود سازد یا به سلب یا محدود ساختن آزادی دیگری بعد از ختم مدت قانونی آن ادامه دهد مرتکب جرم گرفتاری، توقیف یا تهدید آزادی گردیده .در کود جزای افغانستان در حالات مختلف ازین حق دفاع شده و برای مرتکبین جزا پیش بینی گردیده که ذیلاً به چند مورد آن اشاره میکنیم .

ماده 267 کود جزا "بند اول این ماده چنین صراحت دارد "شخصی که به منظور ارتکاب جرایم ترورستی دیگری را گرفتار و آزادی وی را سلب کند به حبس طویل تا 10 سال محکوم می‌گردد "

ماده 270 کود جزا بند اول "شخصی که به منظور مجبور ساختن دولت جمهوری اسلامی افغانستان یا دولت خارجی یا سازمان بین المللی یا هر شخص حقیقی یا حکمی دیگری به اجرا یا امتناع از اجرای یک عمل شخصی را گروگان و آزاد ساختن وی را مشروط به اجرا یا امتناع از اجرای آن عمل نماید یا به دوام نگهداری یا به قتل یا تعذیب جسمی شخص گروگان گرفته شده تهدید کند به حد اکثر حبس دوام محکوم می‌گردد.

ماده 271 کود جزا بند دوم "کسی که شخص دارای مصئونیت بین المللی را اختطاف کند یا به گروگان بگیرد به حبس دوام محکوم می‌گردد "

ماده 335 کود جزا بند 3, 5 و 9 به بردگی گرفتن , حبس کردن با ایجاد محرومیت شدید از آزادی های جسمانی مخالف قواعد اساسی حقوق بین الملل و ناپدید کردن اجباری شخص را مشروط برین که رفتار مرتکب عمداً و آگاهانه بخشی از حمله گسترده یا سازمان یافته علیه یک گروه غیر نظامی باشد جرم ضد بشری شناخته است .

وماده 336 همین قانون برای مرتکبین جرایم به بردگی گرفتن و حبس کردن حبس ابد و برای مرتکب جرم ناپدید کردن اجباری حبس طویل پیش بینی میکند.

ماده 586 کود جزا "مرتکب جرم گرفتاری توقیف یا ممانعت غیر قانونی به حبس متوسط محکوم می‌گردد .

ماده 589 کود جزا بند اول "هرگاه پولیس یا موظف امنیت ملی ,سارنوال ,قاضی یا مسئول محلات سلب آزادی شخصی را بیش از یک روز از موعد قانونی تحت نظارت ,توقیف ,حبس یا حجز قرار دهد به حبس قصیر یا جزای نقدی سه هزار افغانی در برابر هر روز محکوم می‌گردد .

از ماده 590 الی ماده 599 کود جزا اختطاف و مجازات آن ذکر شده .

3 - تبعیض : طوریکه در مباحث قبلی اشاره شد تبعیض به معنی تفاوت , محرومیت و تقدم بر پایه ی نژاد, رنگ پوست,جنسیت, مذهب ,عقیده سیاسی ,سابقه ملیت اجداد ,یا طبقه اجتماعی وغیره حالات میباشد.و از موضوع عدم تبعیض در قانون اساسی افغانستان یاد آوری صورت گرفته و تبعیض و امتیاز را بین اتباع افغانستان ممنوع قرار داده است . ماده 6 کود جزا, مضمون متهم و محکوم بدون در نظر داشت تعلقات ملیتی ,زبانی ,نژادی ,قبیله یی دینی یا مذهبی ,عقیده

سیاسی، جنس، تحصیل، شغل، نسب، دارایی، موقف اجتماعی، محل سکونت و اقامت در برابر قانون از تساوی کامل برخوردار اند.

ماده 409 کود جزا برای تبعیض در ادارات جزا تعیین نموده است. "هر گاه موظف خدمات عامه یا موظف دولت خارجی یا سازمان بین المللی یا بین الحکومتی یا موسسه غیر دولتی به اساس ملاحظات شخصی، قومی، منطوقی، زبانی، مذهبی، جنسیتی، سیاسی، عقیدتی یا به اساس پشتیبانی از گروه یا فرقه خاص در اجرای وظایف یا ارائه خدمات عامه یا سایر حالات از تبعیض کار گیرد، مرتکب به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم میگردد.

4 - برائت الذمه: طوریکه میدانیم انسان ذاتا بیگناه بوده و نمیتوان بخاطر سوژن او را مجرم شمرد در قوانین کشور اصل بر بری الذمه بودن است و هیچ موظف خدمات عامه بشمول سارنوال نمیتواند مرتکب اعمالی گردد که خلاف این اصل باشد.

ماده پنجم قانون اجراء جزایی "برائت الذمه حالت اصلی است متهم تا وقتیکه به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد بی گناه شناخته میشود، سارنوال و قاضی نمیتوانند دلایل مبهم در قضیه را به حیث دلایل اثبات علیه مظنون و متهم توجیه و یا ابهام در قانون را به ضرر آنها تعبیر نمایند.

5 - اصل شخصی بودن جرایم: جرم عمل شخصی است و نمیتوان شخص دیگر را بخاطر جرم ارتكابی مرتکب محاکمه کرد و یا جزا داد چنانچه ماده 9 کود جزای افغانستان چنین صراحت دارد. "جرم عمل شخصی است و جزای مرتب بران به شخص دیگری سرایت نمیکند.

6 - اصل قانونی بودن جرایم و مجازات: تحقق جرم و تطبیق جزا بالای مجرم مستوجب پیش بینی جرم و جزا در قانون است به این معنی که هیچ جرمی وجود ندارد و هیچ جزایی تطبیق شده نمیتواند مگر به حکم قانون، بدین معنی که اگر میخواهیم یک عمل مخل نظم اجتماعی را منع کنیم باید اجرا یا امتناع از اجرای آنرا در قانون پیش بینی کنیم و اگر بخواهیم مجرم را مجازات کنیم جزا نیز باید در قانون پیش بینی گردد.

ماده 7 کود جزا "هیچ عملی جرم شمرده نمیشود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتكاب جرم نافذ گردیده باشد، هیچ جزایی را نمیتوان تطبیق نمود مگر این که درین قانون تصریح شده باشد، هیچ شخصی را نمیتوان مجازات نمود مگر به حکم محکمه ذیصلاح و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتكاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد، مجازات بالای مرتکب با در نظر داشت سایر شرایط و احوال مندرج این قانون متناسب با جرم ارتكابی تطبیق میگردد."

ماده 8 کود جزا "تشخیص جرم و تعیین جزا به اساس قیاس جواز ندارد، جرم شمردن و تطبیق هر نوع جزا بر عملی که درین قانون جرم شناخته نشده و برای آن جزا معین نشده باشد جواز ندارد.

7- شکنجه و تحصیل اقرار به اجبار: شکنجه و تحصیل اقرار به اجبار مطابق احکام قانون جواز ندارد اگر کسی مرتکب این عمل گردد قانونا مجازات میگردد.

به اساس ماده 450 کود جزا شکنجه عملی است که توسط موظف خدمات عامه یا هر مقام رسمی دیگر یا به امر موافقه یا به اثر سکوت وی ارتكاب یابد و با عث درد یا تعذیب جسمی یا روانی شدید مظنون، متهم، محکوم یا شخص دیگر گردد به مقصد این که

- مظنون یا متهم علیه خودش اعتراض نماید یا در مورد شخص دیگر معلومات دهد.
- شخص در مورد مظنون متهم یا محکوم معلومات ارایه نماید.
- از بابت عملی که وی یا شخص دیگر مرتکب آن گردیده، او را تعذیب نماید.

- شخص را به منظور اجرا یا امتناع از عمل ارباب یا اکراه نماید.
- علیه شخص، مرتکب رفتاری گردد که مبتنی بر تبعیض باشد.

مطابق ماده 451 کود جزا شخصی که مرتکب شکنجه گردد به حبس متوسط بیش از سه سال محکوم میگردد. هر گاه مرتکب جرم شکنجه سبب صدمه جسمی مجنی علیه گردد به حد اکثر حبس متوسط، هرگاه مجنی علیه زن، طفل یا معلول باشد مرتکب به حد اکثر حبس متوسط، هر گاه شکنجه سبب قطع یا معلولیت دایمی جسمی یا روانی مجنی علیه گردد مرتکب به حبس طویل، هرگاه متهم در اثر شکنجه به قتل برسد مرتکب به جزای پیش بینی شده قتل عمد، محکوم میگردد.

در کود جزای افغانستان ماده 461 تحصیل اقرار به اجبار ویا استفاده از تهدید یا ارباب مجنی علیه یا شاهد یا وعده، پیشنهاد ویا پرداخت منفعت خلاف قانون به آن به منظور تحمیل ادای شهادت دروغ یا امتناع از ادا شهادت یا مداخله در شهادت شامل جرایم علیه تطبیق عدالت است و مرتکب آن به حبس طویل محکوم میگردد.

8 - کرامت انسانی : ماده 12 کود جزا "تعیین جزای مخالف کرامت انسانی جواز ندارد، تطبیق جزا بر مرتکب با رعایت کرامت انسانی صورت میگیرد .

9 - حق انتخاب کردن و انتخاب شدن : هر تبعه افغانستان حق دارد برای انتخاب کردن در صورت واجد شرایط بودن رای بدهد واین حق در تمام پوست های انتخابی به اساس قانون محفوظ است و همچنان میتواند در صورت واجدیت به پوست های متذکره کاندید شود این حق تمام اتباع محفوظ بوده و توسط قوانین حمایت میگردد ذیلا به یک مورد حمایت جزایی این حقوق در کود جزای افغانستان اشاره میشود

مطابق ماده کود جزا " هرگاه منسوب نظامی از وسایل و علایم نظامی اعم از اردوی ملی پولیس ملی وامنیت ملی به منظور ترساندن ویا تحت تاثیر قرار دادن رای دهنده کاندید ناظر ویا شاهد به نفع یا ضرر کاندید سوی استفاده نماید به جزای حبس قصیر محکوم میگردد . و اگر نظامی نباشد به حد اکثر جزای حبس قصیر محکوم میگردد.

ماده 427 "شخصی که در جریان انتخابات به منظور برهم زدن وضع امنیتی دست به تشدید یا خشونت بزند به حبس متوسط تا دو سال محکوم میگردد ودر صورتیکه این عمل منجر به اخلال جریان انتخابات گردد به حبس متوسط بیش از دو سال محکوم میگردد .

10 - حق آزادی بیان : آزادی بیان، اظهار عقیده و مذهب در افغانستان تحت شرایط خاص مجاز است ذیلا به چند مورد حمایت جزای این حقوق مطابق کود جزای افغانستان اشاره میشود .

"ماده 323 کود جزا" شخصی که به یکی از ادیان عمدا اهانت یا شعایر آنها را اخلال یا معابد مجاز آنها را تخریب نماید مرتکب جرم اهانت به ادیان شناخته میشود .

مطابق ماده 324 کود جزا شخصی که برگزاری شعایر یا مراسم دینی یکی از ادیان را که مطابق احکام قانون انجام میدهند اخلال نماید یا آن را معطل سازد، شخصی که معابد مجاز را که دران شعایر دینی یکی از ادیان اجرا میگردد یا سایر علایم را که نزد پیروان آن محترم باشد تخریب یا تلف نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم میگردد.

ماده 325 کود جزا "بند 1، شخصی که معتقدات یا احکام دین مقدس اسلام را توهین یا تحریف نماید به حبس متوسط محکوم میگردد . بند 2، شخصی که به پیرو یکی از ادیانی که مراسم دینی خود را در حدود احکام قانون اجرا می نماید به واسطه قول، فعل کتابت یا سایر وسایل علنی توهین و تجاوز نماید به حبس قصیر محکوم میگردد .

11- حق تاسیس جمعیت ها احزاب سیاسی و حق اجتماع و تظاهرات: ماده 262 کود جزا بند 1 "هرگا اشخاص رهبری کننده اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات دستور اجرای اعمال خشونت آمیز را به اشتراک کننده گان صادر و اشتراک آنان متوصل به اعمال متذکره گردند در صورت ارتکاب ضرب، جرح، قتل یا سایر نتایج مادی گردد، سازمان دهنده، رهبری کننده، امر دهنده یا اجرا کننده به حد اکثر جزای جرم ارتكابی محكوم میگردد".

12 - حق محرمیت مکالمات و مراسلات : مکالمات و مراسلات اتباع افغانستان از تعرض مصئون است و شخصی که سبب نقض این حق گردد مطابق احکام جزایی مجازات میگردد چنانچه در کود جزای افغانستان درین مورد چنین اشاره شده :

ماده 629 کود جزا "1 شخصی که به مکالمه مخابراتی دیگری بدون اجازه گوش دهد یا آنرا ثبت نماید به جزای نقدی ده هزار افغانی محكوم میگردد. 2. شخصی که اسراری را که توسط تیلیفون یا ایمیل یا فکس یا مکتوب ارسالی یا به هر طریق دیگری به آن آگاهی حاصل کرده است به قصد وارد کردن ضرر به دیگری افشا کند به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی محكوم میگردد .

ماده 460 کود جزا " هر گا موظف پوست یا پارسل یا شخص دیگری که به منظور انجام این امر توظیف گردیده است مکتوب پوست یا پارسل تسلیم شده را پنهان، افشا یا باز نماید ویا به این منظور برای دیگران سهولت فراهم سازد به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار محكوم میگردد.

ماده 876 کود جزا "1 شخصی که به صورت غیر مجاز به سیستم برنامه یا اطلاعات کمپیوتری متعلق به دیگری دسترسی حاصل کند به بدیل حبس محكوم میگردد. 2. واگر به اثر ارتكاب جرم مندرج فقره یک این ماده ضرر جسمی، مادی یا معنوی به شخص یا اشخاص وارد کند علاوه بر بدیل حبس به جزای جرم مرتکبه نیز محكوم میگردد .

13 - حق مصئونیت مسکن و انتخاب مسکن : هر شخص حق دارد در حدود احکام قانون برای خود مسکن برگزیند و دولت مکلف است مصئونیت مسکن شخص را حمایت کند. در کود جزای افغانستان در موارد گوناگون ازین حق حمایت شده که ذیلا به چند مورد اشاره میشود :

ماده 447 کود جزا "هرگا موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود در منزل شخص بدون اجازه وی ودر غیر از حالات و تریبی که قانون به آن تصریح نموده داخل شود به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی محكوم میگردد .

ماده 619 کود جزا " ارتكاب یکی از اعمال ذیل جرم هتک حرمت مسکن دانسته شده ومرتکب به حبس قصیر محكوم میگردد. 1. داخل شده به محل مسکون یا آماده سکونت ویا به یکی از ملحقات آن به صورت غیر قانونی یا بدون رضایت ساکن آن، 2. پنهان شدن در یکی از محلات مندرج جز 1 این ماده. 3. داخل شدن به یکی از محلات مندرج جز 1 این ماده به شکل قانونی و باقی ماندن دران بدون رضایت ساکن .

ماده 620 کود جزا "هرگاه جرم هتک حرمت مسکن به منظور منع حیازت مالک یا متصرف یا ساکن با استفاده از زور صورت گرفته باشد مرتکب به حبس متوسط تا دو سال محكوم میگردد .

14 - حق مسافرت : هر تبعه افغانستان حق دارد به هر نقطه کشور ویا خارج از کشور سفر کند و در صورت ایجاد مزاحمت مورد حمایت دولت است. ذیلا به یک مورد حمایت جزایی این حق اشاره میشود :

ماده 445 کود جزا بند 1 "هرگا منسوب نیرو های نظامی یا سایر موظفین خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی در راه عام، شاهرا ها یا سایر محلات از مردم پول، مال یا منفعتی را خلاف قانون تقاضا یا اخذ نمایند به حبس قصیر محکوم میگردد،

15 - حق تشکیل خانواده : هر تبعه افغانستان حق دارد در صورت موجودیت شرایط ازدواج کند و تشکیل خانواده دهد و در صورت ایجاد ممانعت درین مورد شخص مرتکب جرم میگردد و مستوجب مجازات است ذیلا به یک مورد حمایت ازین حق در کود جزای افغانستان اشاره میشود :

ماده 663 کود جزا "1 شخصی که مانع ازدواج زنی گردد که در نکاح وی ممانعت قانونی وجود نداشته باشد یا حق انتخاب زوج را از وی سلب نماید به حبس قصیر محکوم میگردد مگر این که والدین به اساس منفعت و مصلحت دختر بدون تهدید، تخویف، اجبار یا سایر وسایل ارباب به علت موجودیت عذری که سبب ایجاد ضرر به دختر گردد مانع ازدواج وی شود 2. در حالات مندرج فقره یک این ماده در صورتیکه زن تصمیم والدین را مغایر منفعت و مصلحت خود درک کند میتواند به مراجع عدلی و قضایی مراجعه و حق خود را مطالبه نماید .

16- حق مالکیت : ذیلا به چند مورد حمایت جزایی حق مالکیت در کود جزای افغانستان اشاره میشود :

ماده 449 کود جزا "هر گاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود مالک را به فروش مال منقول یا غیر منقول به اسم خود یا دیگری به طور غیر قانونی مجبور نماید به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی و به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز محکوم میگردد .

ماده 670 کود جزا "شخصی که مال زن را تصرف یا او را از تصرف دران منع نماید به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی محکوم و مال به تصرف زن گذاشته میشود .

ماده 724 کود جزا "شخصی که با داخل شدن به محل مسکونی یا محلی که برای سکونت آماده شده یا به یکی از ملحقات آن مرتکب جرم سرقت گردد به حبس متوسط محکوم میگردد " سرقت گرفتن مال منقول ملکیت غیر بدون رضایت در خفا و به قصد تملک .

ماده 739 کود جزا "تصرف، تصاحب، استفاده، انتقال، رهن، تضمین، اجاره یا کرایه زمین های دولتی، عامه، شخصی (مرعی عامه و خاصه) یا وقفی بدون داشتن اسناد مدار اعتبار یا حکم قانون غصب زمین شناخته میشود .

ماده 740 کود جزا "بند 1 مرتکب غصب زمین علاوه بر استرداد زمین قرار ذیل مجازات میگردد 1. در صورتیکه ارزش زمین تا سه صد هزار افغانی باشد به حبس قصیر 2. در صورتیکه ارزش زمین بیش از سه صد هزار تا یک میلیون افغانی باشد به حبس متوسط تا دو سال 3. در صورتیکه ارزش زمین بیش از یک میلیون تا پنج میلیون افغانی باشد به حبس متوسط بیش از سه سال 4. در صورتیکه ارزش زمین بیش از پنج میلیون افغانی باشد به حبس تا ده سال .

ماده 773 کود جزا "شخصی که مال منقول یا غیر منقول ملکیت غیر را منهدم تخریب یا تلف نماید یا آنرا غیر قابل استفاده گرداند یا به آن ضرر برساند یا به هر نحوی که باشد آنرا معطل گرداند مرتکب جرم تخریب و اتلاف شناخته شده علاوه بر جبران خساره وارده به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم میگردد مگر این که درین قانون جزای شدید تری پیش بینی شده باشد.

ماده 766 کود جزا "شخصی که کتاب، رساله، جزوه، شعر، نمایش نامه، ترجمه، تابلوی نقاشی یا رسامی، نقشه جغرافیایی، آهنگ، فلم سینمایی، سیریل تلویزیونی، برنامه های تلویزیونی یا رادیویی، مجسمه، اثر خوشنویسی یا عکاسی، اثر گرافیکی یا معماری یا صنایع دستی، اختراع، کشف علمی، طرح های صنعتی، علائم تجارتي یا سایر حقوق ناشی از فعالیت های فکری شخص دیگر را بنام خود یا شخص دیگری بدون اجازه کتبی مالک آن طبع و نشر و یا اجرا یا نمایش

دهد یا مجددا تولید کند یا به قصد فروش عرضه کند یا آنها را تحریف یا تغییر شکل دهد یا دران تصرف کند یا به هر طریقی ازان بهره برداری مادی یا معنوی انجام دهد یا آثار ادبی متذکره را ترجمه کند مرتکب جرم تجاوز به حقوق ملکیت های فکری شناخته میشود و مطابق احکام کود جزا مجازات میگردد .

17 - حق کار : ذیلا به چند مورد حمایت از حق کار در کود جزای افغانستان اشاره میشود :
ماده 577 کود جزا "هرگا ضرب یا جرح سبب ناتوانی از کار گردد در صورتیکه تا یک هفته باشد مرتکب به جزای نقدی از پنج تا پانزده هزار ,در صورتیکه منجر به ناتوانی از کار بیش از یک هفته تا یک ماه گردد به جزای نقدی از پانزده هزار تا سی هزار ,در صورتیکه منجر به ناتوانی از کار بیش از یک ماه تا سه ماه گردد به حبس قصیر ,در صورتیکه منجر به ناتوانی از کار بیش از سه ماه گردد به حبس متوسط تا دو سال محکوم میگردد.

ماده 672 کود جزا" شخصی که زنی را از حق تعلیم ,تحصیل ,کار دسترسی به خدمات صحی یا استفاده از سایر حقوق مندرج قوانین محروم نماید به حبس قصیر شش ماه محکوم میگردد .

ماده 671 کود جزا "شخصی که زنی را خلاف اراده وی به کار اجباری وادار نماید به حبس قصیر محکوم میگردد .

18- حق دسترسی به خدمات صحی : ذیلا به چند مورد حمایت از حق دسترسی به خدمات صحی مطابق کود جزای افغانستان اشاره میشود :

بند 2 ماده 609 کود جزا شخصی که طفل را از حق دسترسی به خدمات صحی محروم کند به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم میگردد.

ماده 912 کود جزا "1 هرگاه موسسه صحی یا موظف طبی حین انجام وظیفه از تداوی مریض امتناع ورزد در صورت وقوع زیان جسمی یا روانی مرتکب علاوه بر جبران خساره به مجازات جرم مرتکبه مندرج این قانون نیز محکوم میگردد.

ماده 672 کود جزا" شخصی که زنی را از حق تعلیم ,تحصیل ,کار دسترسی به خدمات صحی یا استفاده از سایر حقوق مندرج قوانین محروم نماید به حبس قصیر شش ماه محکوم میگردد .

19 - حق تعلیم و تحصیل : تعلیم و تحصیل از جمله اولویت های اساسی جامعه است ذیلا به دو مورد حمایت جزایی این حق مطابق کود جزا اشاره میکنیم :

بند 1 ماده 609 کود جزا "شخصی که طفل را از حق تعلیم ویا آموزش مسلکی محروم کند به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم میگردد.

ماده 672 کود جزا" شخصی که زنی را از حق تعلیم ,تحصیل ,کار دسترسی به خدمات صحی یا استفاده از سایر حقوق مندرج قوانین محروم نماید به حبس قصیر شش ماه محکوم میگردد .

مبحث سوم : حقوق بشر از دیدگاه اسلام

درین مبحث متن بیانیه جهانی حقوق انسان در اسلام آورده شده

بیانیه جهانی حقوق انسان در اسلام

مقدمه :

بسم الله الرحمن الرحيم

>>الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله سيدنا محمد بن عبدالله و على آله و صحبه و من اتبع
<<هدا

این دومین معاهده و بیانیه اسلامی است که از طرف (مجمع بین المللی اسلامی) در ارتباط با حقوق انسان در اسلام منتشر میشود .

پیشتر مجمع اولین اعلامیه را با عنوان بیانیه اسلامی در مورد چهارچوب کلی نظام و برنامه اسلام منتشر نموده است .

جای بسا امیدواری است که خداوند این توفیق را عطا فرمود که این دو معاهده در مطلع قرن پانزدهم و همزمان با رون رو به گسترش حرکت اسلامی که زمینه ساز بیداری امت اسلامی و وحدت کلمه مسلمانان است منتشر شوند . حرکت و دعوت اسلامی بی شائبه و صادقانه ای که مردم را به پیشگیری راهکارهای هدایت الهی و تلاش فراگیر برای بازسازی جامعه اسلامی بر اساس اصول و مبانی آن هدایت فرا میخواند .

از منظر اسلام حقوق انسان بخشی از جانب پادشاهان و حاکمان یا معاهده منتشر شده از طرف حکومت محلی یا سازمانی بین المللی نیست . بلکه حقوقی است که با توجه به ریشه های الهی آن مراعاتشان الزامی و به هیچ وجه کنار نهادن و باطل نمودن آنها پذیرفتنی نیست و به هیچ کس و هیچ ارگانی این اجازه داده نمیشود که آنرا مورد تعرض قرار دهد و در مورد عمل به آن کوتاهی نماید .

بیانیه حقوق انسان در اسلام که ما امروز آنرا منتشر می نمایم حاصل تلاش صادقانه و امانت دارانه برجسته ترین متفکران و رهبران حرکت های اسلامی در جهان اسلام است که فراتر از اوضاع و احوال موجود و اعتبارات زمان و مکان و انسان های متعلق به یک محیط اجتماعی و یا یک ملت تهیه و تنظیم شده است .

سپاس خداوند را که به توفیق و یاری او این اعلامیه را میتوان تبلور زلال و فراگیری از حقوق انسان در اسلام و برگرفته شده از کتاب خداوند و سنت پیامبر بزرگوار آن دانست . مجمع بین المللی اسلامی که این وثیقه را برای آگاهی مردم جهان منتشر میکند امیدوار است که برای مسلمانان معاصر در تلاش های روزمره خویش مایه دلگرمی گردد . و دعوت و رسالتی خیر خواهانه برای رهبران و حکام مسلمین تلقی شود که بر اساس آن یکدیگر را به تبعیت از حق توصیه نمایند و در تعامل خود با دیگران نیز آنرا به گونه ای مطلوب مورد توجه قرار بدهند ، و این انگیزه را در آنها ایجاد کند که در مورد راهکار های زندگی ، حکومت و روابط با ملت مسلمان و ملت های دیگر و احترام به حقوق انسان از دیدگاه اسلام که بی توجهی و رویارویی با آن برای هیچ مسلمانی روا نیست - تجدید نظر بنماید .

همچنین مجمع امیدوار است که این اعلامیه به گونه ای شایسته مورد توجه هیئت ها و سازمان های محلی و بین المللی که به حقوق انسان اهتمام می ورزند قرار بگیرد و آنرا با دیگر معاهده ها و بیانیه های مرتبط با حقوق انسان اضافه نموده و دیگران را به اعتراف و اجرای حقیقی و واقعی آنها بر زندگی مردم فرا بخوانند .

از خداوند متعال میخواهم همه ی انانی را که در تهیه این بیانیه مشارکت نموده اند پاداش نیک عطا فرماید و دل ها و وجدان ها و اندیشه ها را برای پذیرش آنها مهیا نموده ، تا زمینه اصلاح و بازسازی مطلوب و درست زندگی مسلمانان فراهم گردد .

پاریس 21 ذی القعدة 1401 قمری 19 سپتامبر 1981 میلادی

دبیر کل مجمع بین المللی اسلامی

سالم عزام

پیشگفتار :

چهارده قرن پیش اسلام به صورتی عمیق و فراگیر احکام مربوط به حقوق بشر را مقرر نموده و برای حمایت از آن ضمانت های کافی را قرار داد و جامعه ای را بر اساس آن اصول و مبانی تاسیس نمود که آن حقوق را مراعات نموده و از آن حمایت نماید .

اسلام آخرین پیام و رسالتی است که خداوند آفریده گار هستی آنرا تبلیغ به مردم و هدایت و توجیه آنان نازل فرموده تا زندگی پاک و با کرامتی را در سایه حق و عدالت و صلح و امنیت برای ایشان تضمین کند .

براین اساس مسلمانان در برابر رسانیدن این پیام و رسالت به همه ی مردم جهان در هر عصر و زمانی و با زبانی قابل فهم برای ایشان دارای مسئولیتی حساس مبتنی بر این فرموده خداوند متعال میباشند که :

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ << آل عمران: 104 >>

"و باید از میان شما گروهی مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وا دارند و از زشتی باز دارند "

همچنین با توجه به وفاداری و مسئولیت ایشان در برابر بشریت و همکاری صادقانه و همه جانبه در راستای رهایی جهان از گرفتار شدن بیشتر در گرداب کجروی ها و نا هنجاری ها و رهایی انسان ها از سختی ها و درد هایی که از آن رنج می برند قیام به رسانیدن پیام پاک و خالص اسلام بر مسلمین واجبی شرعی است .

ما مسلمانان علی رغم تفاوت ملیت ها و اختلاف سرزمین ها بر اساس بندگی مان در برابر خداوند یکتای صاحب قهر و قدرت و بر اساس ایمان به قرار داشتن زمام امور دنیا و آخرت در اختیار خداوند و اینکه همه بار دیگر به سوی او باز میگردیم و تنها او پس از آن که انسان را بر روی زمین جانشین خویش نمود و همه ی آنچه را که در هستی وجود دارد مسخرش گردانید ، از حق هدایت انسان برای آنچه که خیر و صلاح او دران است برخوردار میباشد .

و با توجه به ایمان و تصدیق عمیق ما به یگانگی دین حق که پیامبران از سوی خداوند آنرا دریافت نموده اند و او هر یک از ایشان را بخشی از ساختمان رسالت خویش فرمود ، تا آنکه با رسالت حضرت محمد ص کامل گردانیده است همانگونه که خود میفرماید :

انا اللبنة الاخيره و انا خاتم النبیین

"من آخرین آجر در ساختمان رسالت و آخرین پیامبران"

و با پذیرفتن نا توانی عقل بشری از وضع بهترین و استوار ترین برنامه و ارهکار برای اداره زندگی بشری, جدایی از هدایت و وحی الهی .

و با توجه به نگاه صحیح و استوار و برخاسته از قرانی که جایگاه انسان در هستی و هدف از آفرینش و حکمت از آورده شدنش به صحنه حیات داریم .

و با توجه به منزلت و کرامت و برتری انسان بر دیگر مخلوقاتی که خداوند به او ارزانی داشته است .

و با توجه به نعمت ها و امکانات بی حد و حصری که خداوند متعال آنها را در دسترس او قرار داده است .

و با توجه به معرفت راستین مفهوم امت که تبلور وحدت مسلمین بدون توجه به نژاد و سرزمین است .

و با توجه به ادراک و آگاهی عمیق از بار مشکلات و اوضاع و احوال نابسامانی که بشریت از آن رنج میبرد و سیستم ها و نظام های فاسدی که بر دوش آنان سوار گردانیده شده است .

و با توجه به عشق و رغبت بی شائبه ی که به عنوان عضوی از جامعه بشری, در جهت ادای رسالت و مسئولیت خویش داریم .

و با توجه به تلاش و رغبتی که برای رسانیدن بدون کم و کاست و امانت دارانه رسالتی که اسلام در جهت زندگی بهتری بردوش ما قرار داده زندگی آنچنانی را میپسندیم که بر پایه ها و ارزش های زیر قرار داده شده باشد :

- اهتمام به فضایل و پاکی و پرهیز از رزایل و ناپاکی
- تعاون و همکاری, جایگزین دوری و بیگانگی بشود
- برادری و محبت, بر جای دشمنی و عداوت بنشیند
- تفاهم و صلح, جایگزین نزاع و جنگ گردد
- زندگی آنچنانی که انسان در آن از سعادت, حریت, عدالت, اخوت و عزت و کرامت برخوردار باشد
- و از خفه شدن زیر فشار عبودیت, تفرقه نژادی, طبقاتی و سرکوبی و خواری رهایی یابد, تا بدینوسیله زمینه رشد و تعالی انسان به درستی فراهم گردد و بتواند به درستی بار رسالت حقیقی خود را در هستی بر دوش بگیرد
- به بهترین وجه خداوندش را عبادت و اطاعت کند, و به زیبا ترین و مطلوب ترین صورت زمین و زندگی را آباد نماید .
- زمینه را برای بهره مندی هرچه بیشتر از نعمت های آفریدگارش فراهم کند. و از هیچ خدمتی به جامعه بشری که همچون خانواده ی بزرگ تر او هستند, دریغ ننماید و در مورد اصالت وحدت انسانی که عشق به انسانیت را در میان انسانها گسترش میبخشد احساسی عمیقی او را با دیگران پیوند دهد .

بر پایه ی همه ی آنچه گفته شد :

ما مسلمانان پرچمداران رسالت و دعوت الهی در آغاز قرن پانزدهم هجری با نام اسلام این بیانیه را در مورد حقوق انسان که برگرفته از قران و سنت مطهر رسول خدا است برای آگاهی همه ی انسان های حقیقت جو سعادت طلب و آزادی خواه اعلام می نماییم .

این بیانیه با چنین ساختار حقوقی, ابدی و ماندگار بوده و به هیچ وجه اجازه حذف, تغییر, تبدیل, نسخ و تعطیل به هیچکس نمیدهد .

حقوقی مقرر از جانب خداوند متعال بوده و هیچ انسانی - هرکس در هر مقامی که باشد - ازین حق برخوردار نیست که آنرا کنار گذاشته و یا مورد تعرض قرار دهد. و مسئولیت ذاتی و اساسی آن، نه به وسیله ی صرف نظر افراد و نه اراده ی جامعه که مظهر آن ارگان ها و موسساتی است که با هر وضعیت و طبیعت و اختیاراتی که داشته باشند از بین نمی رود و ساقط نمی شود. التزام و اعتراف به این حقوق سر آغازی صحیح برای پایه گذاری جامعه اسلامی واقعی خواهد بود.

- 1- جامعه ای که به همه انسانها دران یکسان نگریده شده و میان افراد آن بر اساس نژاد، رنگ، پوست، زبان، دین، ملیت و هیچگونه تبعیض و امتیازی وجود نداشته باشد.
- 2- جامعه ای که دران بهره مندی از حقوق و ادای مسئولیت ها بر پایه مساوات قرار داشته باشد. مساواتی که بر اساس وحدت بشری و برابری انسانی استوار باشد

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى >> <<الحجرات: 13>>

"ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم"

و با توجه به منزلت و حرمتی که خداوند انسان را از ان برخوردار نموده است:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا >> <<الاسراء: 70>>

- "به درستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب ها) برنشانیدیم. و از چیز های پاکیزه به ایشان روزی دادیم. و آنان را بر بسیاری از آفریده های خود برتری دادیم"
- 3- جامعه ای که آزادی با مفهوم واقعی زندگی انسان دران یکسان مورد توجه قرار گیرد، انسان همرا با آن به دنیا بیاید و در سایه اش از سرکوبی و ستم و استثمار و بردگی گرفته شدن مصون باشد.
 - 4- جامعه ای که به خانواده به عنوان هسته جامعه نگاه کند و آنرا به صورت همه جانبه مورد احترام و حمایت قرار داده، همه ی وسایل و لوازم امنیت و آسایش و پیشرفت را برای او فراهم گرداند.
 - 5- جامعه ای که فرمانروا و مردم عادی ثروتمند و مستمند، بدون کمترین تبعیض و تفاوت یکسان در برابر احکام شریعت الهی قرار داده شوند.
 - 6- جامعه ای که دران به حاکمیت به عنوان امانتی بر دوش حاکم نگاه شود تا به وسیله آن و از طریق راهکار هایی الهی، به اهداف شریعت جامه عمل بپوشاند.
 - 7- جامعه ای که همه افراد آن از ایمان و یقین برخوردار باشند که: آفریدگار و اداره کننده نظام هستی، تنها خداوند متعال است و بس. و همه ی آنچه که دران قرار دارد عطا و بخششی بدون تبعیض و تفاوت برای آنهاست و هر یک از انسانها ازین طریق حق برخوردار اند که از آن بخشش الهی به صورت عادلانه سهم بردند.
- وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ >> <<البقره: 13>>
- "و آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد"
- 8- جامعه ای که دران تعیین سیاست ها و راهکار های اداره امور جامعه و تطبیق و اجرای آنها از طریق شورا صورت بگیرد

وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ >> <<الشوری: 38>>

"و امور شان در میان شان به مشورت است"

- 9- جامعه ای که برای ادای مسئولیت ها و بروز استعداد ها و شایستگی ها، فرصت های یکسان در اختیار افراد آن قرار داده شود و در مورد آنها در دنیا در پیشگاه مردم و در آخرت در حضور خداوند مورد بازخواست قرار بگیرد.

کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ <رواه الخمسه >

"هریک از شما مسئولید و در مورد زیر دستان خود مورد بازخواست قرار میگیرید"

10- جامعه ای که با حکام و مسئولین و مردم عادی در برابر دادگاه و تحقیقات قضایی یکسان برخورد صورت بگیرد

11- جامعه ای که هر یک از افراد آن همچون ضمیر و وجدان اجتماعی عمل کنند ، و بتوانند علیه هر کس که در زمینه حقوق اجتماعی جرمی را مرتکب گردیده ، اقامه دعوا نمایند و دیگران نیز در ارتباط با امور حق و عدالت از حمایت آنان کوتاهی نکنند .

12- جامعه که در برابر همه ی انواع خود کامگی ها ایستادگی نموده و امنیت و آزادی ، حرمت و عدالت را برای همه ی افراد آن تضمین کند . و خود را به اجرا و مراعات حقوقی که شریعت اسلام آنرا برای انسان مقرر نموده ملتزم بشمارد . حقوقی که هم اکنون آنرا برای آگاهی جهانیان در اختیار شان قرار خواهیم داد

مواد بیانیه حقوق انسان در اسلام

1 – حق حیات :

الف : حیات و زندگی انسان از تقدس بسیاری برخوردار است و هیچکس حق تعرض به آن را ندارد

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا
<<سوره ماعده : 32 >>

"ازین رو بر فرزندان اسرائیل مقرر نمودیم که هر کس کسی را جز به قصاص ، قتل یا (کیفر) فسادی در زمین بکشد ، چنان است که گویی همه ی مردم را کشته باشد و هر کس کسی را زنده بدارد ، چنان است که همه مردم را زندگی داده باشد"

تنها از طریق حاکمیت شریعت و اجرای احکام آن است که سلب آن قداست ممکن خواهد بود .

ب: وجود مادی و معنوی انسان در زمان حیات و پس از مرگ از طرف شریعت اسلام وجودی مصئون و حمایت شده است و حتی با جسم بی جان او باید با عطف و احترام برخورد شود .

إذا كفن احدكم اخاه فليحسن كفته <رواه الشيخان >

"هر گاه یکی از شما خواست برادر خود را کفن کند ، به خوبی او را کفن نماید"

پوشانیدن عیب ها و اسرار مردگان واجب است .

لا تلبسوا الاموات فانهم افضوا الی ما قدموا <رواه الشيخان : از سخنان حضرت عمر فاروق >

"در مورد مردگان ایجاد شک و تردید نکنید زیرا آنان به عملکرد و دست آورد خویش سپرده شده اند"

2- حق برخورداری از آزادی :

الف : حریت و آزادی انسان همچون زندگی او مقدس و مورد احترام است و اولین حق طبیعی است که انسان همرا با آن به دنیا می آید .

و ما من مولود الا و يولد على فطره <<رواه الشيخان: از سخنان حضرت عمر فاروق >>

"هر کودکی که به دنیا می آید بر اساس فطرت است که به جهان گام میگذارد"

حق برخورداری از آزادی حقی همراه و همیشگی است و هیچکس حق تعرض به آنرا ندارد .

متى استعبدتم الناس و قد ولدتهم امهاتهم احرارا <<رواه الشيخان >>

"از کی مردمی را که مادرانشان آنان را آزاد به دنیا آورده اند ,میخواهید به بردگی بگیریید"

فراهم کردن ضمانت های کافی برای حمایت از حریت افراد واجب و ضروری است , و جز بر اساس حاکمیت شریعت و تصمیمات صحیح آن , آزادی انسانها محدود و مقید نمیشود .

ب : تعرض ملتی بر آزادی ملتی دیگر به هیچ وجه روا نیست و ملتی که مورد تعرض قرار گرفته میتواند با هر وسیله ممکن برای کسب آزادی خود مقابله بنماید .

و لَمَنْ اَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ <<الشوری: 41 >>

"و هرکس پس از ستم دیدن خود یاری جوید و انتقام گیرد راه نکوهشی برایشان نیست"

جامعه جهانی مسئول است که همه ی انسان هایی را که برای آزادی خویش تلاش مینمایند مورد حمایت قرار میدهند و درین مورد مسئولیت مسلمانان مسئولیتی الزامی است

الَّذِينَ اِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ <<الحج: 41 >>

"همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را برپا دارند و زکات میدهند و به کار های پسندیده وا میدارند و از کار های نا پسند باز میدارند"

3- حق برابری :

الف : در شریعت اسلامی همه مردم و ملیت ها با هم برابر اند .

لا فضل لعربی على عجمی, ولا لعجمی على عربی, ولا لاعسود على اعمر اعلا بالتقوى <<خطبه حجت الوداع :رسول خدا >>

"هیچ عربی را بر غیر عرب و هیچ غیر عربی را بر عرب هیچ سرخپوستی را بر سیاه پوست و سیاهپوستی را بر سرخ پوست جز به وسیله ی تقوا برتری نیست"

همچنین در عرصه پذیرش اجرای شریعت هیچکس را بر دیگری برتری نیست .

لو ان فاطمه بنت محمد سرقت لقطعت يدها <<متفق عليه >>

"اگر فاطمه دختر محمد هم مرتکب دزدی شود بدون تردید دستش را قطع خواهم کرد"

الا ان اضعضكم عندى القوى حتى آخذ الحق له, و اقواكم عندى الضعيف حتى آخذ الحق منه <<از سخنان حضرت ابوبکر پس از انتخاب به مقام خلافت >>

"به شما ابلاغ مینمایم که توانمندان شما از نظر من ضعیف‌ترینان هستند تا زمانی که حق آنها را میستاتم و قوی‌ترین شما نزد من ضعیف‌ترین شما هستند تا وقتی که حق را از ایشان می‌گیرم"

ب: همه ی انسان ها در عرصه منزلت انسانی با هم برابرند

كَلِمَ لَادِمٍ وَّ اَدَمٍ مِّنْ تَرَابٍ <<از خطبه حجت الوداع رسول خدا >>

"همه ی شما از آدمید و آدم نیز از خاک آفریده شده بود"

امتیاز و تفاوت ایشان به عملکرد آنان بستگی دارد و بس

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا <<الاحقاف: 19>>

"و برای هر یک در نتیجه آنچه انجام داده اند, درجاتی است"

هیچکس را بیش از آنچه دیگران در معرض خطر و ضرر قرار میگیرند, نباید در معرض آنها قرار داد .

المسلمون تتكافأ دمائهم <<رواه احمد >>

"خون و جان مسلمانان با هم برابرند"

هر نوع اندیشه و قانون و حکمی و هر روشی که زمینه ی تفرقه نژادی, ملی, رنگ, پوست, زبان و دین را در میان مردم به وجود بیاورد به طور مستقیم با این اصول و مبانی اسلامی عام منافات دارد .

ج: هر یک از افراد حق بهر مندی از درآمد های مادی جامعه از طریق در اختیار داشتن فرست کار مناسب و متساوی با دیگران را دارند .

فَأَمْسُوا فِي مَنَاقِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ <<الملك: 15>>

"...پس در گستره ی آن راهی شوید و از روزی خدا بخورید"

از نظر کیفی و کمی تبعیض در میان افراد جامعه روا نیست

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ, وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ <<الزلزله: 7,8>>

"هر کس به اندازه ذره ای نیکی نماید نتیجه آنرا خواهد دید و هر کس هم وزن ذره ای بدی کند نتیجه آنرا خواهد دید"

4- حق برخورداری از عدالت :

الف : هر یک از افراد جامعه می تواند خواستار اجرای احکام شریعت شود و تنها بر اساس آن – نه احکام و قوانین دیگر – مورد محاکمه قرار بگیرد

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ <<النساء: 59>>

"هرگاه در امری دینی اختلاف نظر یافتید اگر به خدا و روز باز پسین ایمان دارید, آنرا به خدا – قرآن – و پیامبر – سنت ارجاع دهید"

وَأَنْ أَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ >> المانده: 49 <<

"و میان آنان به موجب آنچه خدا نازل نموده داوری کنید و از هوا هایشان پیروی مکن"

ب: هر انسانی حق دارد که در برابر ستم دیگران از خود دفاع نماید .

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ >> النساء: 148 <<

"خداوند بانگ برداشتن و بد زبانی را دوست ندارد مگر از کسی که بر او ستم رفته باشد"

همچنین هر انسانی مسئول دفاع از دیگران و رفع مظلومیت ایشان در حد توان است .

لينصر الرجل اخاه ظالما او مظلوما :ان كان ظالما فلينهه وان كان مظلوما فلينصره >>رواه الشيخان والترمذی <<

"هر مردی موظف است از برادر خود ظالم باشد یا مظلوم دفاع نماید . اگر ظلم کرد او را ازان باز دارد , و اگر مظلوم واقع شد او را یاری دهد"

همچنین هر یک از انسان ها ازین حق برخوردار اند که برای حمایت از حقوق خود و دفع ضرر و زیان از خویش و ستمی که بر او صورت گرفته به محکمه و دادگاه شرعی مراجعه نماید و مسئولین نظام اسلامی مسئولیت دارند که سیستم قضایی کار آمدی را پدید بیاورند . و ضمانت های لازم را برای استقلال عمل و توانایی آن فراهم آورند .

انما الامام جنه يقاتل من ورائه و يحتمى به >>رواه الشيخان <<

"امام و حکومت سنگر و پناهگاهند که از پشت سر آن جنگ صورت می گیرد و به پناه برده می شود"

ج: هر کس حق و مسئولیت دارد که از حقوق هر انسان و جماعت و گروه دیگری دفاع نماید .

الا اخيركم بخير الشهداء ؟الذی یاتی بشهادته قبل ان یسالها >>رواه مسلم و ابو داود <<

" میخواهید شما را به بهترین شهیدان آشنا نمایم ,کسی که پیش ازان که از او خواسته شود شهادت خود را میدهد"

د: نمیتوان حق هیچ کس را در مورد دفاع از خود به هیچ بهانه ای ازو سلب کرد .

ان لصاحب الحق مقالا >>رواه ابو داود <<

"صاحب حق را حق سخن و دفاع است"

اذا جلس بين يديك الخصمان فلا تقضين حتى تسمع من الآخر ,كما سمعت من الاول فانه احدي ان

يتبين لك القضاء >>رواه ابو داود <<

"هرگاه دو نفر که باهم اختلاف دارند ,نزد تو آمدند ,قبل از شنیدن سخن دومی همچون او کی در مورد ایشان داوری مکن زیرا چنین چیزی سبب میشود که بهتر قضاوت نمایی"

ه: هیچ کس ازین حق برخوردار نیست که مسلمانانی را به کاری مخالف به احکام شریعت اسلام ملزم نماید, و هر انسان مسلمان در چنین مواردی حق دارد که به شدت مخالفت بنماید .

اذا امر بمعصيه فلا سمع و لا طاعه <<رواه الخمسه >>

"هرگاه کسی را به ارتکاب گناهی دستور بدهند، نباید اطاعت نماید"

مسئولیت جامعه هم این است که در چنین شرایطی از او دفاع نماید

المسلم اخو المسلم لا يظلمه و لا يسلمه <<رواه البخاری >>

"مسلمان برادر مسلمان است و به او ستم نمی کنند و در برابر دشمن تنهایش نمیگذارد"

5 – حق برخورداری از محاکمه عادلانه :

الف: در مورد همه ی مردم اصل بر برائت و بیگناهی آنهاست و پس از وارد شدن اتهام هم تا زمانی که در دادگاه شایسته و مستقل حکم نهایی مجرم بودن آن صادر نشود اصل بر برائت اوست .

كل امتي معافي الا مجاهرين <<رواه الشبخان >>

"همه ی مردم به غیر از آنهایی که آشکارا مرتکب جرم میشوند بیگناه محسوب میگردند"

ب: بدون وجود نص شرعی هیچ کس را نمیتوان مجرم شمرد .

وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا <<الاسراء: 15 >>

"تا پیامبری را نفرستیم هیچکس را عذاب نخواهیم داد"

در مورد مسایل اساسی و محوری دین، ادعای نا آگاهی هیچ مسلمانی پذیرفته نمی شود، اما چنانچه جهل و نا آگاهی او به اثبات برسد تنها اجرای حدود شرعی از او مرتفع میشود .

وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ <<احزاب: 5 >>

"و در آنچه اشتباهاً مرتکب آن شده اید، بر شما گناهی نیست ولی در آنچه دل های تان عمد داشته است مسئولید"

ج: حکم مجرم بودن و مجازات انسانی تنها زمانی صادر میشود که با دلایل قطعی و غیر قابل انکار در دادگاهی مستقل و بی طرف و کار آمد جرم او به اثبات برسد .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا <<الحجرات: 6 >>

"ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی خبری را برایتان آورد در مورد آن به درستی تحقیق کنید"

وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا <<النجم: 28 >>

"در واقع گمان در وصول به حقیقت هیچ سودی نمی رسند"

د: در هیچ شرایطی نمی توان مجازاتی را که شریعت اسلام برای ارتکاب جرمی قرار داده، لغو کرد .

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا <<البقره: 229 >>

"این ها حد و مرز های الهی هستند و از آن تجاوز نکنید "

اما ملاحظه شرایط و اوضاع و احوالی که جرم در آن صورت گرفته ، یکی از مبانی شریعت اسلامی است

ادروا الحدود عن المسلمین ما اسطعتم , فان كان له مخرج فخلوا سبيله <<رواه الشیخان >>

"تا جایی که میتوانید اجرای حکم مجازات مسلمانان را بر طرف کنید , و اگر راهی وجود داشت او را به حال خود رها کنید "

۵: هیچکس را به خاطر جرم دیگران نمی توان مورد بازخواست قرار داد .

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى <<الاسراء>>

"هیچ بردارنده ای بار گناه دیگری را بر نمی دارد , هر یک از انسانها تنها خود در برابر کار هایشان مسئولند "

كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ <<الطور: 31 >>

"هر کس در گرو عملکرد خویش است "

به هیچ وجه نمیتوان خانواده و خویشاوندان و اتباع و دوستان کسی را که جرم او به اثبات رسیده مورد بازخواست و مجازات قرار داد .

مَعَادُ اللَّهِ اِنَّ نَأْخُذُ اِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعِنَا عِنْدَهُ اِنَّا اِذَا لَطَمُوْنَ <<یوسف: 79>>

"گفت پناه بر خدا که جز آنکسی را که گمشده خود را نزد او یافته ایم بازداشت کنیم , زیرا در آن صورت قطعا ستمکار خواهیم بود "

6 – حق حمایت در برابر اقدامات خود سرانه حکومت ها :

همه ی افراد جامعه باید در برابر اقدامات خودسرانه مسئولین حکومت مورد حمایت قرار بگیرند و بازخواست از آنها در موردی کاری که انجام داده یا اوضاع و احوالی که دارند , و متهم نمودن آنان جز از طریق قراین و دلایل قابل قبول که بیانگر ارتکاب مورد اتهام باشد روا نیست .

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَاِثْمًا مُّبِينًا <<الاحزاب: 58 >>

"کسانی که مردان و زنان مومنی را بی آنکه مرتکب عمل خلافی شده باشند آزار می رسانند , قطعا تهمت و گناه آشکاری را بر گردن گرفته اند "

7- حق حمایت از شکنجه شدن :

الف : شکنجه و آزار دادن نه تنها کسی که مورد اتهام قرار گرفته , بلکه حتی کسی که جرم او به اثبات رسیده جایز نیست , زیرا رسول خدا فرموده اند :

ان الله يعذب الذين يعذبون الناس في الدنيا <<رواه الخمسه >>

"بدون شک خداوند کسانی را که در دنیا مردم را شکنجه می دهند , عذاب خواهد داد "

همچنین ناچار کردن کسی به اعتراف به جرمی که مرتکب نشده حرام و ممنوع است و همه ی اعتراف هایی که از طریق شکنجه و اجبار گرفته شده باشند باطل و غیر قابل قبول اند .

ان الله وضع عن امتی الخطاء والتسیان وما استکر هوا علیه

"خداوند مسئولیت اشتباه و فراموش کردن و مجبور شدن را از دوش امت مسلمان برداشته است "

ب: هر فرد هر جرمی را که مرتکب شده ، و مجازات شرعی او هر چیزی که باشد کرامت و منزلت انسان بودن او باید محفوظ بماند .

8- حق دفاع از حیثیت و اعتبار :

هتک حرمت و شخصیت هیچ انسانی به هیچ وجه روا نیست .

ان دمانکم و اموالکم و اعراضکم بینکم حرام کحرمة یومکم هذا فی بلدکم هذا >> از خطبه حجت الوداع رسول خدا <<

"جان و اموال و حیثیت شما همچون این روز و درین شهر و درین سرزمین محترم و گرامی است "

جستجو و تجسس در مورد اسرار دیگران و تلاش برای کسر شان و شخصیت معنوی ایشان حرام است .

وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَعضُكُمْ بَعضًا >>الحجرات:12<<

"جاسوسی مکنید و یکدیگر را غیبت ننمائید "

وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ >>الحجرات:11<<

"واز یکدیگر عیب جویی نکنید ، و به همدیگر لقب های زشت ندهید "

9- حق پناهندگی :

الف : هر انسان مسلمانی که تحت ستم و فشار قرار داشته باشد ازین حق برخوردار است به هر مملکت اسلامی و غیر اسلامی که دران احساس امنیت و آرامش می نماید پناهنده شود .

این حق را اسلام برای همه ی انسان های تحت ستم و سرکوب بدون توجه به ملیت ، عقیده و نژاد آنان قایل گردیده و مسلمانان را به تامین امنیت و آسودگی پناهندگان ملزم نموده است .

وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ >>التوبه:6<<

"و اگر یکی از مشرکین از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان "

ب: خانه خداوند واقع در مکه مکرمه محل عبادت همه ی مسلمانان و محل امن همه ی مردم است و هیچکس را نمیتوان از زیارت آن محروم کرد .

وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا >>آل عمران: 97<<

"و هر کس در آن درآید در امان است "

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا >>البقره: 125 <<

"و چون خانه کعبه را برای مردم محل اجتماع و جای امنی قرار دادیم "

سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ >>الحج: 25 <<

"مردم بومی و بادیه نشین در آن یکسان اند "

10 – حقوق اقلیت ها :

الف: این اصل قرآنی عام بر وضع اقلیت های دینی حاکم است که :

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ >>البقره: 256 <<

"در پذیرش دین هیچ اجباری روا نیست "

ب: چنانچه پیروان اقلیت های دینی خود بخواهند، شریعت اسلامی می تواند امور مدنی و احوال شخصیه ایشان را هم سر و سامان بدهد .

فَإِن جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِن تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَن يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِن حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ >>المائده: 42 <<

"پس اگر نزد تو آمدند یا میان آنان داوری کن یا از ایشان روی برتاب و اگر از آنان روی برتابی هرگز زیانی به تو نخواهد رسید و اگر داوری می کنی به عدالت در میانشان حکم کن "

اما چنانچه نخواهند احکام شریعت اسلام امور ایشان را حل و فصل نماید، می توانند از شریعت و احکام دین خود به شرطی که دارای اصلی الهی باشد تبعیت نمایند .

وَكَيفَ يُحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ >>المائده: 43 <<

"و چگونه تورا داور قرار می دهند با آنکه تورات نزد آنان است که در آن حکم خدا آمده است سپس آنان بعد از این روی بر می گردانند "

وَأَيُّكُمْ أَهْلُ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ >>المائده: 47 <<

"و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن نازل کرده داوری کنند "

11 – حق مشارکت مدنی :

الف: هر یک از افراد جامعه حق دارند که بدانند در زندگی اجتماعی آنان به ویژه اموری که به مصالح عمومی جامعه مربوط میشود – چی میگذرد. از طرف دیگر در حد توان خود مسئولند – که بر اساس اصل – شوری- در آن مشارکت داشته باشند .

وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ >> الشورى: 38 <<

"امور شان در میان آنان بر اساس مشاوره است "

هر یک از افراد جامعه چنانچه استعداد و تخصصی لازم را داشته باشند حق احراز مقام و مسئولیت ها اجتماعی را دارند و مسایلی مانند تفاوت های نژادی و طبقاتی نباید در راه آن ایجاد مانع بنمایند .

المسلمون تتكافأ دمائهم و هم يد علی من سواهم یسعی بدمتھم ادناھم >> <<رواه احمد >>

"جان و خون مسلمانان یکسان است ، و آنان در برابر دیگران صف واحدی هستند ، هر یک از آنان به مسوولیت خود عمل می نمایند "

ب : اساس ارتباط حکومت و مردم اصل شوری است و این حق مردم است که با توجه به این اصل رهبران خود را آزادانه خود انتخاب نمایند . و چنانچه آنان از ادای مسئولیت ها و اجرا و تبعیت از شریعت خود داری کردند ، مردم حق دارند ، ایشان را مورد بازخواست قرار دهند و در صورت لزوم برکنار نمایند .

حضرت ابوبکر صدیق فرموده است :

انی ولیت علیکم و لست بخیرکم فان رایتونی علی حق فاعینونی و ان رایتونی علی باطل و مومنی اطیعونی ما اطعت الله و رسوله ، فان عصیت فلا طاعه لی علیکم >> از سخنان حضرت ابوبکر پس از انتخاب شدن به مقام خلافت <<

"هر چند من فضل و برتری بر شما ندارم ، اما مرا به رهبری برگزیده اند ، اگر کار های مرا حق و روا دیدید ، با من همکاری کنید ، و چنانچه اقدامی باطل و ناروا را از من مشاهده کردید ، مرا سر راه بیاورید ، تا زمانی از من اطاعت کنید که من از خداوند و رسول او اطاعت مینمایم ، چنانچه آنان را نافرمانی نمودم ، لازم نیست از من پیروی نمایید "

12 – آزادی اندیشه و اعتقاد و اظهار رای :

الف : هر انسانی ازین حق برخوردار است که ببیندیشد و اندیشه و اعتقاد خود را – بدون دخالت و اعمال نظر دیگران – بیان کند ، به شرطی که از چهارچوب کلی مورد قبول شریعت اسلام خارج نشود . اما ترویج اندیشه های باطل و بی پایه و اساس و ترویج فساد و فحشا و توطئه و تضعیف امت اسلامی به هیچ وجه روا نیست .

لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تَقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا >> <<الاحزاب: 60,61 >>

"اگر منافقان و کسانی که در دل های شان مرضی هست و شایعه افکنان در مدینه از کار شان باز نایستند تورا سخت بر آنان مسلط میکنیم تا جز مدتی اندک در همسایگی تو نمانند ، از رحمت خداوند دور گردیده و هر کجا که یافته شوند گرفته شده و سخت کشته خواهند شد "

ب : اندیشیدن آزاد در راستای یافتن حق و حقیقت بیش از آنکه یک حق باشد یک مسوولیت و فریضه است :

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا >> <<سبا: 46 >>

"بگو من فقط به شما یک اندرز میدهم که دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید سپس ببیندیشید "

ج: هر انسان نه اینکه از حق مقابل با ظلم و ستم برخوردار است، بلکه بر او واجب است که بدون هراس از رویارویی با حکومت خود کامه و حاکم ستمکار با آن رویارویی نماید، و این اقدام او برترین انواع جهاد به شمار می آید. زیرا از رسول خدا سؤال شد که:

ای جهاد افضل؟ قال: کلمه حق عند سلطان جائز <<رواه الترمذی و النسائی>>

"کدام جهاد ارزشمند تر است؟ فرمود: حق گویی در برابر سلطان ستمکار"

د: به هیچ وجه نباید از انتشار معلومات و حقایق درست جلوگیری کرد، مگر آنکه امنیت جامعه و حکومت را در معرض خطر جدی قرار بدهد.

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّاعُوا بِهِ وَّلَوْ رَدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ <<النساء: 83>>

"وچون خبری حاکی از ایمنی یا وحشت به آنان برسد، انتشارش دهند و اگر آنرا به پیامبر و اولیای امور خود ارجاع دهند، قطعاً از میان آنان کسانی اند که - میتوانند درست و نادرست - آنرا دریابند"

ه: احترام به احساسات دینی و باور ها و آراء دیگران یکی از ویژگی های اخلاقی اهل ایمان است، و توهین به معتقدات دیگران و تحریک جامعه علیه آنان به هیچوجه روا نیست.

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ <<الانعام: 108>>

"و آلهایی را که بجز خدا را میخوانند دشنام ندهید، که آنان نیز از روی دشمنی و به نادانی خدا را دشنام خواهند داد. این گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم، و آنگاه بازگشت آنان به سوی پروردگارشان است"

13 - حق آزادی بیان:

هر کسی از حق آزادی عقیده دینی و عبادت بر اساس عقیده خویش برخوردار است.

لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ <<الکافرون: 6>>

"دین شما از آن خودتان و دین ما نیز از آن خودمان"

14 - حق بیان و تبلیغ:

الف: هر یک از افراد جامعه به تنهایی یا همراه با دیگران حق دارند که در عرصه های زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و..... مشارکت بنمایند. و موسساتی را با این هدف تاسیس کنند و وسایل مورد نیاز برای بهره گیری از این حق را فراهم نمایند.

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي <<یوسف: 108>>

"بگو این است راه من و هر کسی - پیرویم - کرد با بصیرت بسوی خدا دعوت میکنم"

ب: همه ی افراد جامعه نه اینکه از حق امر به معروف و نهی از منکر برخوردارند , بلکه این کار برایشان واجب است و جامعه مسوول است که مؤسسات و افراد شایسته ای را برای قیام به این مسوولیت و همکاری بر پایه پاکى و پرهیزکاری فراهم نماید .

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ >> آل عمران: 104 <<

"و باید از میان شما گروهی مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند "

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى >>المائده: 2 <<

"در نیکیو کاری و پرهیز کاری با هم همکاری کنید "

ان الناس اذا روا الظالم فلم ياخذوا على يديه اوشك ان يعمهم الله بعقاب >>رواه اصحاب السنن <<

"چنانچه مردم ,ستم ستمکاری را ببینند و مانع از ستم او نشوند ,بعید نیست که خداوند ایشان را به مجازاتی فراگیر دچار نماید "

15 – حقوق اقتصادی :

الف : همه ی ثروت های طبیعی اساسا از آن خداوند متعال است .

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ >>المائده: 12 <<

"فرمانروایی آسمان ها و زمین و آن چه در آن هاست از آن خداست و او بر هر چیزی تواناست "

اما خداوند آن ثروت های طبیعی را به انسانها ارزانی فرموده و به آنان حق داده که از آنها استفاده نمایند .

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ >>الجاثیه: 13 <<

"و آنچه در آسمان ها و زمین است به سود شما رام کرده و همه ی آنها از اوست "

همچنین تباهی و نابودی آنها را برای شان حرام گردانیده است .

وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ >>الشعراء: 183 <<

"و در زمین سر به فساد بر مدارید "

هیچکس ازین حق برخوردار نیست که به حقوق دیگران در مورد استفاده از آن منابع و ثروت ها تعرض بنماید و آنها را از بهره گیری از منابع روزی و در آمد محروم گرداند .

وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا >>الاسراء: 20 <<

ب: همه ی انسانها از حق کار و تولید و خدمت و کسب در آمد از راه های مشروع برخوردارند .

مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا >>هور: 6 <<

"و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزیش بر عهده خداست"

فَأْمَشُوا فِي مَنَاقِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ >> << الملک: 15 >>

"پس در گستره ی آن راهی شوید و از روزی خدا بخورید"

ج : مالکیت خصوصی به صورت فردی یا مشارکت با دیگران رواست , و هر کسی ازین حق برخوردار است که از حاصل کار و تلاش خود استفاده کند .

وَأَنَّهُ هُوَ أَعْنَى وَأَقْنَى >> << انجم: 48 >>

"به حق اوست که ثروتمند و مستمند می گرداند"

مالکیت عمومی برای تامین مصالح همه ی مردم مشروع است .

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ >> << الحشر: 7 >>

"و آنچه خداوند از دارایی آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر او متعلق به خویشاوندان نزدیک وی و یتیمان و بی نوایان و در اره ماندگان است تا در میان ثروتمندان شما دست به دست نگرند"

د : از سازماندهی زکات , سهم و حقوقی از اموال ثروتمندان برای مستمندان در نظر گرفته می شود .

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ >> << المعارج: 24.25 >>

"و همان ها که در اموال شان حقی معلوم است , برای سائل و محروم"

این موضوع حقی است که به هیچوجه نباید مورد اهمال قرار بگیرد و حکومت در مورد جمع آوری آن نباید کوتاه بیاید و ملاحظه کاری بنماید , هر چند برای جمع آوری آن استفاده از قدرت نیاز پیدا شود .

وَاللَّهُ لَوْ منعونی عقالا كانوا یودونه الی رسول الله لقاتلهم علیه >> << از سخنان حضرت ابوبکر صدیق >>

"سوگند به خداوند , اگر از دادن حتی افساری – به عنوان زکات – که در زمان رسول خدا میداده اند , خود داری نمایند , به خاطر آن با ایشان خواهم جنگید"

ه : لازم است ثروت های عمومی در مصالح جامعه و گسترش صنایع و کار های اقتصادی مفید و پر درآمد سرمایه گذاری بشود . رها نمودن و بدون استفاده گذاشتن آن به هیچوجه جایز نیست .

ما من عبد استرعاہ الله رعیة فلم یحطها بالنصیحة الا یجد رائحه الجنة >> << از سخنان حضرت ابوبکر صدیق >>

"هر انسانی که خداوند مسئولیت اداره امور مردمی را به او بسپارند و به تمام معنی در جهت تامین مصالح ایشان تلاش ننماید , پوی بهشت به مشام او نخواهد رسید ."

همچنین سرمایه گذاری بیت المال و دارایی های عمومی در مواردی که شریعت آنها را حرام گردانیده و یا با مصالح جامعه تضاد دارد , جایز نیست .

و : و در راستای فعالیت های اقتصادی و تضمین امنیت مالی اسلام موارد زیر را حرام گردانیده است .

1- همه انواع غش و خیانت

لَيْسَ مِنْ غَشٍّ <<رواه مسلم >>

"هر کس که خیانت کند از ما نیست"

2- فریب دادن و سوی استفاده از بی اطلاعی همه انواع معاملاتی که زمینه نزاع و اختلاف را فراهم می نماید و تحت معیار معتبری قرار نمی گیرد , حرام اند .

نَهَى النَّبِيُّ عَنْ بَيْعِ الْحِصَاةِ وَ عَنْ بَيْعِ الْغُرْرِ <<رواه مسلم و ابو داود >>

"رسول خدا از معاملات تخمینی و شانس و معاملاتی که از روی نا آگاهی و ماجراجوی و قمار بازی باشد , نهی فرموده است"

نَهَى النَّبِيُّ عَنْ بَيْعِ الْعَنْبِ حَتَّى يَسُودَ وَ عَنْ بَيْعِ الْحَبِّ حَتَّى يَشْتَدَّ <<رواه الخمسه >>

"رسول خدا از معامله انگور قبل از رسیدن و از فروش حبوبات تا زمان سخت و محکم شدن آنها نهی فرموده است"

3- فرصت طلبی و فریبکاری در عرصه معاملات و مبادلات حرام و نامشروع است .

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ <<المطففين: 3-1 >>

"وای بر کم فروشان آنانی که چون برای مردم پیمانه یا وزن کنند تمام ستانند و چون برای ایشان پیمانه یا وزن کنند به ایشان کم دهند"

4- احتکار و همه اقداماتی که به زیان عامه مردم تمام شود , و به رقابت نا برابر منجر گردد , حرام و ناروا می باشند.

لَا يَحْتَكِرُ إِلَّا خَاطِي <<رواه مسلم >>

"تنها خطا کارانند که احتکار می کنند"

5- در آمد حاصل از معاملات ربوی و کار های پست و بی ارزش که در آنها از گرانی و در تنگنا قرار گرفتن مردم سوء استفاده شود , حرام است .

وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا <<البقره: 275 >>

"خداوند بیع و معامله را حلال و ربا را حرام گردانیده است"

6- تبلیغات کاذب و فریبنده حرام است .

الْبَيْعَانِ بِالْخِيَارِ مَالِمٌ تَيْفَرِقَا , فَانْ صَدَقَا وَ بَيْنَا فَبُورِكْ لِهَمَا فِى بَيْعِهِمَا وَ انْ غَشَا وَ كَذَبَا مُحَقَّتْ

بِرَكَّةٍ بَيْعِهِمَا <<رواه الخمسه >>

"خریدار و فروشنده تا وقتی که از مجلس معامله بر نخواستند اند , حق فسخ آنها دارند , چنانچه راست بگویند و همه چیز را به درستی بیان کنند معامله ایشان مبارک است , اما اگر خیانت کنند و دروغ بگویند خیر و برکت معامله ایشان از بین می رود"

ز : مراعات مصالح امت و التزام به ارزشهای کلی اسلام تنها شروطی هستند که در عرصه معاملات جامعه اسلامی لازم است مراعات شوند .

16 – حق حمایت از مالکیت :

مالکیتی را که از راه مشروع به دست آمده باشد، به جز در راستای تأمین مصالح جامعه – همراه با جبران آن – نمی توان از کسی سلب کرد .

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ >>البقره: 188 <<

"و اموال تانرا به ناروا در میان یکدیگر نخورید "

من اخذ من الارض شيئا بغير حق خسف به يوم القيامة الى سبع ارضين >>رواه البخاری <<

"هر کسی مقداری از زمین دیگران را به ناحق در اختیار خود بگیرد، خداوند در قیامت او را به هفت طبقه زمین فرو می برد "

حرام بودن تعرض به اموال عمومی بدتر و مجازات آن سنگین تر است. زیرا تعرض به همه جامعه و خیانت به امت به شمار می آید .

من استعملنا منكم على عمل , فكتمنا منه مخيطة فما فوق كان غلو لاياتي به يوم القيامة >>رواه مسلم <<

"هر یک از شما را به کاری بگماریم و به اندازه یک نخ یا بیشتر از آنرا بر ما پنهان دارد – وخیانت نماید – روز قیامت آن چیز غل و زنجیر او خواهد گردید "

قيل يا رسول الله ان فلانا قد استشهد ! قال :كلا :لقد رايته في النار بعباءة قد غلها ثم قال :يا عمر فناد :انه لا يدخل الجنة الا المومنين ثلاثا >>رواه مسلم و الترمذی <<

"گفته شد یا رسول الله فلانی به شهادت رسیده ،فرمود :نه به هیچ وجه :من او را در حالی که عیابی که آنرا از طریق خیانت بدست آورده و آنرا بر دوش داشت ،در آتش دیدم .سپس فرمود :ای عمر برخیز سه بار به مردم اعلام کن که :به غیر از مومنان هیچکس به بهشت وارد نخواهد شد "

17 – حق کارگران :

کار سر لوحه مسؤلیتهایی است که اسلام آنرا فرا راه جامعه های بشری قرار داده است .

وَقُلِ اعْمَلُوا >>التوبه: 105 <<

"به ایشان بگو کار و تلاش کنید "

البته هر کاری را به درستی و به بهترین صورت باید انجام داد .

ان الله يحب اذا عمل احدكم عملا ان يتقنه >>رواه ابو يعلى <<

"خداوند به راستی دوست دارد هرگاه یکی از شما کاری را انجام داد . آنرا به بهترین وجه انجام بدهد "

برخی از حقوق کارگران عبارت اند از :

1 - مزد کار و تلاشش به صورت شایسته و بدون کم و کاست و بدون درنگ به او داده شود .

اعطوا الاجیرا جره قبل ان یجف عرقه <<رواه ابن ماجه >>

"پیش از خشک شدن عرق کارگر , اجرت او را پرداخت کنید "

2- زندگی خوب و همرا با احترامی متناسب با کار و تلاشی که دارند برای آنان فراهم گردد .

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا <<الاحقاف: 19 >>

"هر یک را با توجه به کاری که انجام داده اند , درجاتی است "

3 - از احترام و تقدیر شایسته همه اقشار جامعه برخوردار شوند .

وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ <<التوبه: 105 >>

"بگو: عمل کنید , زیرا خداوند و پیامبر او و مومنان عمل شما را خواهند دید "

ان الله یحب امومن المحترف <<رواه الطبرانی >>

"خداوند به راستی انسان مومن و اهل کار و حرفه را دوست می دارد"

4 - از حمایت های لازم برای جلوگیری از استثمار و سوء استفاده از شرایط شان برخوردار باشند .

ثلاثه انا خصمهم یوم القیامه :رجل اعطی بی ثم غدر و رجل باع حرا فاکل ثمنه و رجل استاجرا جیرا

فاستوفی منه و لم یحطه اجره <<رواه الطبرانی >>

"من روز قیامت با سه نفر دشمن خواهم بود : اول :مردی که خدمتی به من کند و سپس غدر و خیانت بنماید ,دوم :کسی که آدم آزادی را به بردگی بگیرد و او را بفروشد و بهایش را حیف و میل کند ,سوم :کسی که کارگری را به کار بگیرد و کار لازم را از او بکشد اما دست مزد مناسب با کارش را به او نپردازد "

18 - حق برخورداری از زندگی مناسب :

هر یک از افراد جامعه ازین حق برخوردار اند که از ضروریات زندگی مانند خوراک و آب ,لباس مسکن و آنچه که برای بهداشت محیط و سلامت بدن او لازم است . همچنین از اموری مانند :علم و معرفت ,فرهنگ و آگاهی های دینی و اجتماعی لازم برای سلامت عقل و قلب - در حدی که درآمد های عمومی اجازه میدهد - برخوردار باشند . چنانچه افراد خود توانایی تامین هزینه های این امور را نداشته باشند , این مسئولیت جامعه است که آنها را برای ایشان فراهم نماید .

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ <<الاحزاب: 6 >>

"پیامبر به مومنان از خودشان سزاوار تر - نزدیک تر - است "

19 - حق تشکیل خانواده :

الف : ازدواج با توجه به حد و حدود شرعی آن حق هر انسانی است , و ازدواج تنها راه شرعی و مطلوب برای تشکیل خانواده , تحقق عفت و پاکی و به دنیا آوردن فرزندان است .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً

<<النساء: 1>>

"ای مردم ! از پروردگار تان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را نیز از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری را پراکنده کرد , پروا کنید "

از نگاه اسلام زن و شوهر دارای حقوق و مسئولیت های متساوی می باشند که احکام شریعت آنها را مقرر نموده است :

وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۗ <<البقره: 228>>

"و مانند همان وظایفی که بر عهده زنان است به طور شایسته به نفع آنان بر عهده مردان است و مردان بر آنان درجه – مسئولیت – برتری است "

پدران مسئولیت تربیت جسمی , عقلی , دینی فرزندان بر اساس عقیده و دین خویش و جهت رویکردی که برای آنان صحیح می دانند , هستند .

كلکم راع و كلکم مسؤول عن رعیتہ <<رواه الخمسه>>

"هر یک از شما مسؤولید و در برابر زیر دستان خود مسؤولیت دارید "

ب: هریک از همسران قبل از دیگری موظفند که احترام دیگری را مراعات نماید و در فضایی از عشق محبت و دلسوزی به احساسات و وضع و حال دیگری احترام بگذارد.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً <<الروم: 21>>

"و از نشانه های او اینکه از نوع خود تان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنها آرام گیرید و میان تان دوستی و رحمت انداخت "

ج : مرد مسؤول تامین مخارج زندگی زن و فرزندان است , و از بخل و خست در مورد ایشان باید پرهیز نماید .

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ ۖ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ <<الطلاق: 7>>

"پس بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند و هرکه روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج نماید "

د : همه کودکان ازین حق برخوردارند که از تربیت و تعلیم و تادیب شایسته والدین بهره مند شوند .

وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا <<الاسراء: 24>>

"پروردگارا ! با ایشان مهربان باش , همانگونه که آنان مرا در خردسالی پرورش دادند "

به کار گرفتن کودکان در سنین خورد سالی و آنها را به کار های سخت و طاقت فرسا وادار نمودن به طوری که مانع رشد جسمی و ذهنی و بازی و سرگرمی ایشان بشود , به هیچوجه روا نیست .

ه : چنانچه والدین از ادای مسؤولیت تعلیم و تربیت فرزند خود ناتوان باشند , جامعه در برابر آنها مسؤولیت پیدا می نماید , اگر این ناتوانی مادی باشد , مخارج آنها از بودجه عمومی باید تامین نمایند .

و : هر یک از اعضای خانواده از این حق برخوردار اند که نیاز های مادی , عاطفی آنان در دوران کودکی و سالمندی و ناتوانی فراهم بشود .

والدین مسئول مراقبت و سر پرستی مادی و جسمی و روانی و فکری کودکان خود می باشند .

ز : مادر در خانواده از حقوق خاصی برخوردار است : از رسول خدا سوال شد که :

من احق الناس بحسن محبتی ؟ قال : امک ! قال السائل : ثم من ؟ قال امک ! قال ثم من ؟ قال : ابوک >>رواه الشیخان <<

"یک نفر از رسول خدا سوال کرد که : چه کسی برای حسن رفتار حق بیشتر بر من دارد ؟ رسول خدا فرمود : مادرت ! سوال کننده گفت : پس از او چه کسی ؟ فرمود : مادرت ! گفت پس از مادرم ؟ فرمود مادرت , سوال کننده گفت پس از مادرم ؟ فرمود پدرت "

ح : اداره ء امور خانواده مسؤولیتی است که بر دوش همه اعضای آن هر یک در حد توان و طبیعت خویش قرار دارد , مسؤولیتی است که از دایره پدر و مادر و فرزندان فراتر رفته و نزدیکان و خویشاوندان را نیز شامل می شود .

ط : هیچکس حق ندارد پسر یا دختری را با ازدواج با کسی که دوست ندارد مجبور کند , زیرا روزی دختر خانمی نزد رسول خدا آمد و گفت : پدرم بدون کسب اجازه ام مرا شوهر داده , رسول خدا پدر دختر را فراخواند و پس از آگاهی از موضوع , دختر را در میان پذیرفتن و عدم پذیرش اقدام پدر حق اختیار دارد . >>رواه ابو داود و الترمذی <<

20 – حقوق زنان :

الف : زنان ازین حق برخوردار اند که در همان محلی که شوهر شان هستند , زندگی کنند :

أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ >>الطلاق: 6 <<

"همانجا که خود سکونت دارید به قدرت استطاعت خویش آنان را جای دهید "

ب : در طول زندگی مشترک و همچنین در مدت عده طلاق مرد موظف است مخارج زندگی او را فراهم نماید .

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ >>النساء: 34 <<

"مردان مسؤول تامین نیاز های زنانند , بدان خاطر که خداوند برخی از ایشان را بر برخی دیگر برتری داده و نیز به دلیل آنکه از اموال شان خرج می کنند "

وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ >>الطلاق: 6 <<

"و اگر بار دارند خرجشان بدهید , تا وضع حمل می کنند "

همچنین پس از طلاق چنانچه فرزندان نزد زن باشند , تامین مخارج آنها متناسب با درآمد بر عهده مرد است .

فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ >>الطلاق: 6 <<

"و اگر برای شما بچه شیر میدهند مزدشان را بدهید "

ج : زن حق دارد که به طور مسالمت آمیز و از طریق حکم شرعی - خلع - از شوهر خود بخواهد به عهد و پیمان زندگی مشترک پایان بدهند .

فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ <<البقره: 229>>

"پس اگر بیم دارید که آن دو حدود خدا را برپای نمی دارند در آنچه که زن برای آزاد کردن خود فدیة دهد گناهی برایشان نیست "

د: همچنین زنان از این حق برخوردارند ، که در چهارچوب احکام شریعت اسلام قضیه جدایی از شوهرش را در دادگاه مطرح نماید .

ه: زن از حق میراث از شوهر، پدر و مادر و فرزندان و برخی از خویشاوندان خود برخوردار است .

وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ <<النسا: 12>>

"یک چهارم آنچه را از خود برجای میگذارید از آن زنانان است"

و : هریک از زن و شوهر موظف هستند که اسرار و معایب جسمی و اخلاقی یکدیگر را پنهان دارند آنان قبل و پس از طلاق لازم است این حق و مسولیت را مراعات نمایند .

وَلَا تَنسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ <<البقره: 227>>

"فضل و مهربانی میان یکدیگر را فراموش نکنید"

21 - حق تربیت فرزندان :

الف : فرزندان از حق تربیت صحیح توسط والدین خود برخوردارند ، فرزندان نیز موظف هستند که برای بهترین وجه با والدین خویش رفتار نمایند .

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۗ وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا <<الامرا 23.24>>

"و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را پرستش نکنید و به پدر و مادر خود احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنان حتی اوف مگو و پرخاش مکن و با آنان سخن شایسته بگو !و از سر مهربانی بال فروتنی را برای آنان بگستر و بگو: پروردگارا آن دو را رحمت کن همچنان که مرا در خرد سالی پرورش دادند "

ب : آموزش حق همه ی افراد جامعه است و کسب علم بر همه ی مردان و زنان به طور یکسان واجب میباشد .

طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة <<رواه ابن ماجه >>

"کسب علم بر همه ی مردان و زنان مسلمان واجب است "

ج : مسؤولین امور جامعه موظف اند زمینه و فرصت های یکسان را برای آموزش و آگاهی دیگران فراهم کنند .

من یرد الله به خیرا یفقه فی الدین ، انما انا قاسم و الله عزو جل یعطی <<رواه الشیخان >>

"هر کسی که خداوند به او اراده خیر بنماید او را از دین آگاه می کند ، کار من توزیع و تقسیم (دین و مسؤولیت) است و عطا کننده خداوند است "

هر یک از انسان ها ازین حق برخوردارند ، که در زمینه مورد علاقه خود به تحصیل بپردازند .

کل میسر لما خلق له <<رواه الشیخان >>

"هر کسی در چیزی موفقیتش بیشتر است که برای آن آفریده شده است "

22 – حق حمایت از زندگی شخصی :

داوری در مورد اسرار انسان ها تنها حق خداوند است .

افلا شفقت قلبه

"آیا تو قلب او را شکافته بودی که بدانی ایمان آورده بود یا نه "

وَلَا تَجَسَّسُوا <<الحجرات: 13 >>

"و جاسوسی یکدیگر را مکنید "

یا معشر من اسلم بالسانه و لم یغض الایمان الی قلبه ! لا تؤذوا المسلمین و لا تعیر هم و لا تتبعوا عوراتهم ، فانه من تتبع عورة اخیه المسلم ، تتبع الله عورته و من تتبع الله عورته یفضحه و لو فی جوف رحله <<رواه ابو داود و الترمذی >>

"ای کسانی که با زبان مسلمانید و ایمان به اعماق قلب تان نفوذ نکرده ، مسلمانان را آزار ندهید و عار و زشتی را به آنان نسبت ندهید ، و به دنبال کشف پنهانیهای ایشان نباشید ! زیرا هر کس به دنبال آگاهی از اسرار دیگران باشد ، خداوند اسرار او را برملا می نماید ، اگرچه در بستر و داخل خانه خویش قرار داشته باشند "

23 – حق آزادی مهاجرت و اقامت :

الف : هر یک از افراد جامعه حق دارند که آزادانه هر جایی که میخواهند بروند و در هر شهر و محلی که دوست دارند اقامت نمایند و بار دیگر بدون کمترین مضایقت و بازخواستی به محل سکونت قبلی خود باز گردند .

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ <<الملك: 15 >>

"اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید ، پس در گستره ی آن سیر و سفر کنید و از روزی او بخورید "

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظروا كيف كان عاقبة المكدبين <<الانعام: 11 >>

"بگو: در زمین بگردید ، آنگاه بنگرید که فرجام تکذیب کننده گان چگونه بوده است "

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظروا كيف كان عاقبة المكدبين <<النساء: 97 >>

ب: هیچکس را نمیتوان با اجبار از شهر و وطن خویش بیرون کرده یا خود سرانه و بدون حکم شرعی و قانونی تبعید نمود.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ >>البقره: 217 <<

"از تو در باره کارزار در ماه حرام می پرسند بگو: کارزار در آن گناهی بزرگ و بازداشتن از راه خدا و کفر ورزیدن به او و بازداشتن از مسجد الحرام - و حج - و بیرون راندن اهل آن از آنجا نزد خدا گناهی بزرگتر است "

ج: همه ی ممالک اسلامی دارالاسلام و میهن همه ی مسلمانان به شمار می آیند, و عوامل جغرافیایی و مرز های سیاسی به هیچ وجه نباید مانع رفت و آمد و ارتباط میان ایشان بشود .

همه ممالک اسلامی موظف هستند که با محبت و برادری و آغوش باز از مهاجرین مسلمان استقبال نمایند .

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَن هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقِ شَحْنَنَفْسِهِ فَاُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ >>الحشر: 9 <<

"کسانی که قبل از مهاجرین در (مدینه) جای گرفته و ایمان آورده اند, و هر کسی را که به سوی آنان کوچ کرده اند دوست دارند و به آنچه به ایشان داده شده است در دلهای شان حسد نمی یابند و هرچند در خود شان مقدم می دارند و هرکسی از خصلت نفس خود مصون ماند, ایشان اند که رستگاراند "

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين

فهرست منابع و مآخذ

- 1- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان مصوب سال 1382
- 2 - کود جرای جمهوری اسلامی افغانستان مصوب سال 1396
- 3 - اعلامیه اسلامی حقوق بشر
- 4 - بیانیه حقوق انسان در اسلام
- 5 - اعلامیه جهانی حقوق بشر
- 6 - اعلامیه جهانی حقوق کودک
- 7 - اعلامیه مربوط به مدافعین حقوق بشر
- 8 - کنفرانس بین المللی حقوق بشر
- 9 - اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه
- 10 - میثاق های بین المللی حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی
- 11 - ستانکزی، پوهندوی نصرالله، مبادی حقوق، چاپ اول، کابل، تابستان 1387
- 12 - گروه آموزش حقوق بشر سازمان عفو بین الملل، آموزش حقوق بشر، چاپ اول، کابل، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، 1387
- 13 - رهنمود انستیتوت ماکس پلانک، حقوق اساسی افغانستان رویه ی مبتنی بر قانون اساسی و حقوق بشر، چاپ اول، جلد دوم، بهار 1386
- 14 - مهر پور، حسین، حقوق بشر و راهکار های اجرای آن، چاپ دوم، تهران، انتشارات اطلاعات 1378،
- 15 - مرکز مطالعات استراتیژیک وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان، مجموعه مقالات برگزیده حقوق بشر در افغانستان، چاپ اول، کابل مرکز مطالعات استراتیژیک وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان، 1388
- 16 - فریدن، مایکل، مبانی حقوق بشر، ترجمه فریدون مجلسی، چاپ سوم، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، بهار 1389
- 17 - شریعت پناهی، دکتر ابوالفضل، حقوق اساسی و نهاد های سیاسی، چاپ دوازدهم، تهران، کتابخانه ملی ایران، زمستان 1383

18 – جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ شانزدهم، تهران، کتابخانه گنج دانش، 1385

19 – سایت انترنتی ویکی پدیا

20 – سایت انترنتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان